بسم الله الرّحمن الرّحیم

ریحانة النبی

ویژه‌نامه سالروز شهادت حضرت فاطـمه زهرا سلام الله علیها

تهیه شده در نمایندگی مرکز ملّی پاسخگویی به سؤالات دینی در اصفهان

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

انسان در عَجَب است که اسلام با چه قدرت عجیبی توانسته است تربیت والای خود را به حدّی برساند که یک زن جوان، در آن شرایط دشوار بتواند این منزلت عالی را کسب کند! هم عظمت این انسان والا شگفت‌انگیز است، هم عظمت مکتب!

مقام معظم رهبری

۱۳۷۱/۰۹/۲۵

با کلیک بر روی هر سؤال به پاسخ آن منتقل خواهید شد.

بخش اخلاق و تربیت اسلامی

۱. حضرت زهرا سلام‌الله علیها زن خانه‌دار یا جهادگر سیاسی؟

۲. چگونگی الگو گیری زنان از سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها؟

۳. اینکه می گویند طبق روایاتی همچون نحن معاشر الانبیاء لانورث درهما و لا دیناراً پیامبران هیچ ارثی برای فرزندان خویش باقی نمی‌گذارند چگونه با فدک که ارث حضرت زهراست تطابق دارد؟

۴. مسئولیت زن در خانه و اجتماع از نگاه حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟

۵. نتیجه تفاوت دو نوع نگاه نسبت به شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها چیست؟ کدام نگاه صحیح است؟ تراژدی شهادت یا نماد حق‌طلبی؟

بخش فقه و احکام

۱. عزاداری فاطمیه در دوران کرونا

۲. شرکت در مجالس عزا و ترک واجبات

۳. مصیبت خوانی

۴. پخش صدا از بلندگو

۵. استفاده از آلات موسیقی در عزاداری

۶. آسیب رساندن به بدن

۷. اموال باقیمانده از مجالس

۸. جابجایی نذورات

۹. استحباب عزاداری ایام فاطمیه

۱۰. جلسات هفتگی عزاداری اهل بیت(علیهم السلام)

۱۱. جشن عروسی در ایام فاطمیه

۱۲. روضه خوانی توسط زن

۱۳. لباس مشکی در ایام فاطمیه

۱۴. توسل به حضرت زهرا سلام الله علیها درحال سجده

۱۵. گوش دادن به موسیقی در ایام فاطمیه

۱۶. تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها)

۱۷. حدود ایام شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها):

۱۸. تاریخ شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع

بخش کلام و عقاید

۱. اگر خلیفه ی دوم، قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها است چرا پس از ایشان، علی علیه السلام، ام کلثوم را به تزویج او درآورد؟

۲. آیا در صدر اسلام خانه های مدینه درب داشتند؟

۳. سند شهادت و روضه ی شهادت صدیقه ی طاهره سلام الله علیها، در بیان معصومان علیهم السلام

۴. قبر مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیهاکجاست؟

۵. آیا زهرای مرضیه ی سلام الله علیها در پایان عمر مبارک خود از خلیفه ی اول و دوم راضی شدند؟

۶.آیا وجود تاریخی محسن بن علی سلام الله علیه قابل اثبات است؟

۷. چند کتاب درباره اسناد شهادت حضرت زهرا معرفی کنید.

۸. خطبه فدکیه چیست و آیا سند دارد ؟

۹. چرا امام علی علیه السلام بعد از به دست گرفتن خلافت، فدک را به مالکان اصلی برنگرداندند؟

۱۰. روایت صحیح در مورد شهادت حضرت زهرا در منابع اهل سنت.

۱۱. علت دفن شبانه حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟

۱۲. جفای سلمان و حضرت زهرا سلام الله علیها

۱۳. چرا با وجود امام علی علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها اقدام به باز نمودن درب کردند؟

۱۴. اگر درب خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها را آتش زدند باید مسجد هم آتش می گرفت.

۱۵. انکار شهادت حضرت زهرا توسط علمای بزرگ شیعه

۱۶. بنا بر فقه شیعه ، حضرت زهرا سلام الله علیها نمی توانند وارث پدر باشند.

۱۷. آزرده شدن زهرای مرضیه از امیرالمومنین علیه السلام در منابع شیعی.

۱۸. چرا حضرت علی علیه السلام از قاتلان حضرت زهرا سلام الله علیها انتقام نگرفتند؟

۱۹. چرا امام علی علیه السلام بلافاصله پس از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، با اُمامه ازدواج کردند؟

۲۰. منظور از ام ابیها چیست؟

۲۱. مخالفت فاطمیه با وحدت بین شیعه و سنی

بخش اخلاق و تربیت اسلامی

۱. حضرت زهرا سلام‌الله علیها زن خانه‌دار یا جهادگر سیاسی؟

در نگاه دین اسلام، زن مسلمان از هویت و کرامت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به جایگاه حداقلی که اعراب در دوران جاهلیت برای یک زن قائل بودند، پیامبر اسلام تلاش‌های فراوانی در تصحیح و ترمیم این دیدگاه نمود. حذف خرافات از بطن زندگی مردم و ارزش گذاشتن به شخصیت حضرت زهرا سلام‌الله علیها ازجمله تلاش‌های مؤثری بود که پیامبر در این زمینه مبذول داشتند.

در آموزه‌های دین، تناسب میان نظام تکوین و نظام تشریع منجر به مرزبندی دقیق حقوق و وظایف زنان و مردان می‌گردد. پیامبر به‌عنوان الگو و اسوه در زمان حیاتشان در جریان‌های مختلف به حضور زنان در عرصه‌های سیاسی اجتماع اشاره کرده و رعایت حریم‌ها و تکیه بر ضوابط را شرط حضور معرفی می‌کردند. بعد از وجود مقدس پیامبر و شرایطی که در آن دوران پیش آمد ترس این مطلب بود که دوباره نگاه جنسیتی به زن بر نگاه هویتی به او تقدم یابد.

علاوه بر این ما با دینی روبرو هستیم که بشریت را با دید جمعی می‌نگرد؛ قرآن نیز هرگاه در رابطه باارزش‌های والای انسانی صحبت می‌کند زنان و مردان را همسان معرفی می‌نماید.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»(احزاب، ۳۵).

در این آیه ویژگی‌هایی همچون ایمان، صداقت، روزه و خویشتن‌داری و ...برای هر دو جنس مرد و زن آمده است و مختص به یک گروه خاصی نیست.در آیه دیگری خداوند وظیفه‌ای مثل امربه‌معروف و نهی از منکر را که یک وظیفه اجتماعی است مختص به زنان و مردان مؤمن می‌داند و می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ « يأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۷۱).

بنابراین نقش هدایتگری و احساس مسئولیت نسبت به اجتماع بر عهده هر مرد و زن مؤمنی است.

در رابطه با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زن، عده‌ای نگاهشان متوقف بر افکار سنتی بوده و پستوی خانه را تنها فضای مناسب برای زن معرفی می‌کنند. عده‌ای دیگر نیز به بهانه یکسان‌سازی حقوق زن و مرد، حضور زن در جامعه را آزاد و رها دانسته و هیچ قیدی برای آن در نظر نمی‌گیرند. اما در نگاه اسلام زن می‌تواند و حتی گاهی باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه‌اش حضور و دخالت نماید البته به‌شرط رعایت حریم‌ها و در نظر گرفتن ضوابط منطبق بر شان زنان.با توجه به سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها درمی‌یابیم که ایشان هم در خانه به بهترین وجه مسئولیت خویش را ایفا می‌نمودند و هم هنگام نیاز، به فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی می‌پرداختند.

ایشان در دامان رسول خدا رشد یافته و کاملاً متوجه این موضوع هستند که نگاه جنسیتی به زن نگاهی مخرب است لذا رسالت خویش را به‌عنوان یک زن در دفاع از ولایت به‌خوبی به انجام رساندند. در جریان غصب فدک، موضوع، بازپس‌گیری یک ملک نبود بلکه موضوع اصلی استیفای حق بود؛ به همین دلیل حضرت زهرا همراه زنان بنی‌هاشم به مسجد می‌روند و خطبه می‌خوانند و به استیضاح حاکم وقت می‌پردازند.نگاه همراه با نقد حضرت زهرا نسبت به مسائل پیرامون خود، بیانگر این امر است که زنان نیز می‌توانند در عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی ورود پیدا کنند.

ایشان در ترویج و آموزش این نوع تفکر به زنان مهاجر و انصار تلاش فراوانی نمودند. در جریان ظلم به حضرت علی علیه‌السلام چهل شبانه‌روز دست فرزندان خویش یعنی حسن و حسین علیهماالسلام را می‌گرفتند و به در خانه مهاجرین و انصار رفته و به آگاه‌سازی آن‌ها اقدام می‌نمودند.

حتی گریه‌های حضرت زهرا بر سر قبر پیامبر و ذکر مرثیه‌هایی در فقدان پدر نوعی روش مبارزاتی محسوب می‌شد تا ایشان بدین شکل افکار عمومی جامعه را بیدار سازند. روند مبارزه سیاسی حضرت حتی در نوشتن وصیت‌نامه ایشان نیز مشهود بود. ایشان در وصیت‌نامه خویش به‌حق بودن ولایت حضرت علی علیه‌السلام اشاره می‌کنند و این‌گونه همچون سیاست‌مداری آگاه به رسوایی دشمن می‌پردازند و از این حیث می‌توان اعتراف کرد که ایشان هم زنی خانه‌دار و هم جهادگری سیاسی بودند.

۲. چگونگی الگو گیری زنان از سیره حضرت زهرا سلام‌الله علیها؟

انسان موجودی کمال‌گرا است و این ویژگی کمال‌گرایی، او را به سمت الگو گیری و یا همان همانندسازی سوق می‌دهد.خداوند درتایید الگو گیری در قرآن می‌فرماید: لَقَدْ كانَ لَكمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كانَ یرْجُواْ اللَّهَ وَ الْیوْمَ الْاخِرَ وَ ذَكرَ اللَّهَ كثِیراً (احزاب، ۲۱)

آنچه می‌تواند یک الگو را ارزشمند نماید تفکر و اندیشه‌ای است که الگوها از آن تبعیت می‌نمایند. علاوه بر این، الگوها باید از حیث افکار و رفتار همسو با فطرت انسان باشند تا بتوانند برای همیشه ماندگار بمانند.انسان به هر میزان که شناخت عمیق و دقیقی از الگو داشته باشد به همان میزان می‌تواند درک صحیحی از گفتار و رفتار او به دست بیاورد.

بنابراین الگو گیری زنان جامعه از حضرت زهرا سلام‌الله علیها مستلزم شناخت درست سیره ایشان است.

بینش خدامحوری اصل یکسان در تمام روابط فردی و اجتماعی این بانوی بزرگ است. نفوذ اندیشه خدامحوری منجر می‌شود تا ایشان به ازدواج با حضرت علی علیه‌السلام باوجود فقر و تنگدستی رضایت دهند و این‌گونه اعلام نمایند که امکانات مادی نمی‌تواند معیار و ملاک مناسبی برای انتخاب صحیح در امر ازدواج باشد.علاوه بر این، این نوع بینش منجر می‌شود تا ایشان در زندگی فردی تمام خواسته‌ها، علایق، سلایق، حرف‌ها و رفتارهای خود با همسر و فرزندان و پدر بزرگوارشان را منطبق بر اصل خدامحوری یا رضایت الهی تنظیم نمایند.

در رابطه با همسر و فرزندانشان نیز اوج خداخواهی مشهود است.باوجودی که حضرت زهرا نمونه و الگوی یک مادر مهربان و دلسوز هستند اما بازهم رنگ خدامحوری بر این محبت مادرانه غلبه دارد.
متأسفانه امروزه شاهد افراط و تفریط در رفتار والدین هستیم باوجودی که فرزندان حضرت زهرا به دلیل روش صحیح این بانو نه از کمبود محبت رنج می‌بردند و نه از محبت‌های افراطی آسیب دیدند.سیره حضرت زهرا در رفتار با علی علیه‌السلام نیز بر مبنای خداخواهی تنظیم شده است.
نکته دیگر در باب الگو گیری زنان جامعه از حضرت زهرا سلام‌الله علیها این است که منظور از الگو گیری این نیست که همان قالب‌های رفتاری را مجدداً تکرار کرد به‌عنوان‌مثال مثلاً چون حضرت زهرا جهیزیه‌شان از ظروف گلی بود زنان نیز درصدد احیای این امر باشند هرگز الگو گیری بدین معنا نیست بلکه معنای بهره بردن از الگو این است که نسبت به نوع رفتار حضرت به رفتارشناسی دقیقی برسیم و حقیقت و بطن این رفتارها را دنبال کنیم. حقیقت ظرف گِلی و چادر وصله‌دار و سختی‌های زندگی حضرت به روح قناعت و ساده زیستی ایشان بازمی‌گردد و برزنان جامعه نیز لازم است که این اصول را در زندگی خود پیاده نمایند.

۳. اینکه می گویند طبق روایاتی همچون نحن معاشر الانبیاء لانورث درهما و لا دیناراً پیامبران هیچ ارثی برای فرزندان خویش باقی نمی‌گذارند چگونه با فدک که ارث حضرت زهراست تطابق دارد؟

یکی از شبهاتی که در رابطه با فدک مطرح می‌شود این است که برخی با استناد به بعضی از روایت‌ها فدک را ارثی از جانب پیامبر به دخترش دانسته و این مساله را خلاف روایت‌هایی می‌دانند که در آنها اذعان به عدم توارث انبیا شده است. به عنوان مثال در گفتگوی خلیفه با حضرت زهرا سلام الله علیها در باب فدک، وقتی حضرت زهرا گفتند که میراث پدرم را بازپس دهید خلیفه چنین گفت که پیامبران ارثی نمی‌گذارند.
به نظر می‌رسد عدم فهم دقیق از این کلام باعث ایجاد این شبهه شده است. گاهی می گوییم انبیا و پیامبران چه ارثی برای مردم بجا گذاشته‌اند و گاه می گوییم انبیا و پیامبران از اموال شخصی خودشان چه ارثی برای فرزندانشان بجا گذاشتند طبیعتاً بین این دو نوع دیدگاه تفاوت وجود دارد.
در واقع گاهی موضوع شخصیت حقوقی پیامبر است و انبیا در مقابل مردم مطرح می‌شود که در این صورت می گویند پیامبر ارثی برای امت خویش باقی نمی‌گذارد. پیامبر می‌فرمایند: إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَاراً وَ لَا دِرْهَماً وَ لَكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِرٍ؛ پیامبران دینار و درهمی به ارث نگذاشتند ولی ارث آنها علم بود و هر که از آن برگرفت بهره فراوانی برده. (بحارالانوار، ج ۱ ص ۱۶۴)اما گاهی موضوع شخصیت حقیقی پیامبر است که در این صورت پیامبر می‌تواند مثل هر کس دیگری برای زن و بچه‌اش ارث بگذارد.موضوع ارث بردن انبیا در قرآن هم مورد اشاره قرار گرفته است. حضرت زکریا از خداوند فرزندی می‌خواهد که از او ارث ببرد. قرآن می‌فرماید: «يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم، ۶)بنابراین توجه دقیق و تمیز دادن میان موضوع ارث امت و ارث فرزندان، می‌تواند به ما در پاسخ به این کج‌فهمی کمک نماید.

۴. مسئولیت زن در خانه و اجتماع از نگاه حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟

در نگاه اسلام زن و مرد دارای تفاوت‌ها و قابلیت‌های متفاوت جسمی و روحی هستند و به همین دلیل هر کدام مسئو لیت های فردی و اجتماعی متفاوتی دارند.در نگاه دینی یک مسلمان و مؤمن همواره در میدان جهاد است و برای همیشه جهادگر. گاهی این میدان جهاد نظامی است و گاه اقتصادی، گاهی نیز میدان مبارزه سیاسی است و گاه فرهنگی. آنچه حائز اهمیت است این است که رزمنده و جهادگر بودن پایانی ندارد.حضرت زهرا سلام الله علیها همواره به اصل مجاهد بودن خویش در بستر خانه و اجتماع التفات داشتند به همین دلیل در هر شرایطی و در هر موقعیتی شاهد بهترین نوع رفتار از ایشان هستیم.

ایشان در سن کودکی حضور در شعب ابی طالب را تجربه کرده‌اند و با وجود مشقت‌های فراوان در آن دوره نقش مادر و پرستار را برای پیامبر ایفا می‌نمودند تا جایی که پیامبر او را ام ابیها نامید.درزندگی مشترک خویش با حضرت علی علیه السلام، با وجودی که در آن زمان جنگ‌های زیادی رخ داد وعلی هم مرد جنگ بود و دائماً در جبهه نبرد مشغول مبارزه بود، وجود حضرت زهرا سلام الله علیها در مدیریت منزل و تدبیر امور و تربیت فرزندان بسیار مؤثر بود.

در برخورد با حضرت علی علیه السلام چنان رفتار می‌کند تا جایی که همسرش در شأن او می‌فرماید:

فَوَ اللّه ما أَغْضَبْتُها وَ لا أَكرَهْتُها عَلَى اَمْر حَتَّى قبض‌ها اللّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا اَغْضَبَتْنِی وَ لَا عَصَتْ لِی اَمْراً. (کشف الغمّة، ج ۱، ص۴۹۲) به خداوند سوگند!... زهرا تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود بُرد، مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند.در برخورد با فرزندان نیز اوج عطوفت مادرانه را به خرج می‌دهد تا جایی که حتی با کودکان خویش به بازی می‌پردازد.

روح بلند و عدم دلبستگی به ظواهر در وجود ایشان تا جایی پیش می‌رود که لباس عروسی خویش را هم به فقیر می‌بخشند.از حیث عبادت نیز ایشان عابدی به تمام معناست به‌گونه‌ای که روح عبادت در تاروپود رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش مشهود است. عبادت ایشان هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت در حد اعلا است تا جایی که پاهای مبارکشان از شدت ایستادن برای عبادت متورم می‌گردد.علاوه بر این در دفاع از ارزش‌های دینی و تعلیم و تربیت دیگران، مبلغ با نفوذی است. او با تبلیغ گفتاری و رفتاری خویش به مبارزه با بدعت‌ها و خرافات می‌پردازد و این‌گونه با انحرافات فکری و اخلاقی موجود در جامعه مبارزه می‌کند.

۵. نتیجه تفاوت دو نوع نگاه نسبت به شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها چیست؟ کدام نگاه صحیح است؟ تراژدی شهادت یا نماد حق‌طلبی؟

یکی از مصادیق و نمادهای مهم حق‌طلبی حضرت زهرا سلام‌الله علیها موضوع فدک است. فدک نام سرزمینی در شمال مدینه بود که اهل فدک خودشان آن را به پیغمبر تسلیم کردند تا جانشان را حفظ کنند. وقتی این اراضی در اختیار پیغمبر صلی‌الله قرار گرفت پیغمبر اکرم فدک را به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها بخشیدند.

بعد از ده روز از رحلت پیامبر، خلیفه وقت درآمد فدک را مصادره کرد. حضرت زهرا در مقابله با این ظلم سخنرانی و گفتگوهایی داشتند که مهم‌ترینش همان خطبه معروف است. نکته مهم در باب فدک این است که آنچه موجب رنجش خاطر حضرت زهرا بود گرفتن اموال شخصی‌اش نبود. متأسفانه این تفکر در برخی از روضه‌ها جای گرفته و دفاع حضرت را دفاع از مال شخصی‌اش معرفی می‌کنند. این در حالی است که فدک تنها بهانه‌ای بود تا حضرت بتوانند از این طریق حقایقی را آشکار سازند و نه‌تنها مردم آن زمان بلکه کل انسان‌ها را بیدار سازند.بنابراین نزاع حضرت زهرا در باب فدک نماد حق‌طلبی ایشان بود.درخواست حضرت در این مورد که به دشمنان اجازه حضور در تشییع‌جنازه‌اش را هم ندادند صرفاً به معنای کینه شخصی نیست بلکه اینجا نیز بیانگر نوعی اعتراض به تضییع حق است. لذا شهادت حضرت زهرا سلام‌الله علیها نه‌فقط یک اتفاق تلخ و غم‌بار تاریخی بلکه جریانی است که درصدد احیای تفکر حق‌طلبی برمی‌آید.

بخش فقه و احکام

عزاداری فاطمیه در دوران کرونا

۱. عزاداری فاطمیه در ایام بیماری کرونا چه حکمی دارد؟

آیت‌الله مکارم شیرازی:

اگرچه به دلیل شیوع بیماری کرونا و لزوم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، برگزاری مجالس فاطمیه همانند سال‌های گذشته ممکن نبوده، اما تجلیل این ایام نباید مورد کمترین غفلت قرار گیرد و لازم است که از همه راه‌های ممکن برای تعظیم شعائر فاطمی استفاده کرد؛ به‌ویژه با اقامه روضه‌های خانگی و استفاده از فضای مجازی.

بر مسؤولان است تا این ایام را سرآغاز وحدت و یک پارچگی و دوری از بگومگوهای بی‌حاصل بلکه مضر سیاسی قرار دهند و تا می‌توانند باری از دوش مردم بزرگوار و عاشق اهل بیت، خاصه خانواده‌های محروم و آسیب پذیر بردارند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی:

امروز، شیعیان و علاقه‌مندان آن حضرت، با برپایی مراسم عزاداری با رعایت اصول بهداشتی، عظمت و شکوه مراسم فاطمی را به جهانیان نشان داده و دفاع از مقام شامخ ولایت و امامت و پیروی از آن حضرت را افتخار خود می‌دانند.

آیت‌الله وحید خراسانی:

فاطمیه نباید تعطیل شود و باید به بهترین وجه اقامه گردد ولیکن با رعایت جهات بهداشتی و آنچه متخصصین امر توصیه می کنند.

پی نوشت: (www.dte.bz/ijthadd)

شرکت در مجالس عزا و ترک واجبات

۲. اگر بعضی از واجبات از مکلّف به سبب شرکت در مجالس عزاداری فوت شود، مثلاً نماز صبح قضا شود، آیا بهتر است در این مجالس شرکت نکند؟

آیت الله خامنه ای:بدیهی است که نمازِ واجب، مقدّم بر فضیلت شرکت در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) است، و ترک نماز و فوت شدن آن به بهانه شرکت در عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) جایز نیست، ولی شرکت در عزاداری به گونه ای که مزاحم نماز نباشد ممکن و از مستحبّات مؤکد است.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری– احکام فاطمیه(www.leader.ir)

مصیبت خوانی

۳. در بعضی از هیأت های مذهبی مصیبت هایی خوانده می شود که مستند به مقتل معتبری نیست، و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است، و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می شود، پاسخ می دهند که اهل‌بیت(علیهم‌السلام) این گونه به ما فهمانده اند، و یا ما را راهنمایی کرده اند، و این وقایع فقط در مقاتل نیست، و منبع آن هم فقط گفته های علما نمی باشد، بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب از راه الهام و مکاشفه معلوم می شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

آیت الله خامنه ای: نقل مطالب به‌صورت مزبور بدون این‌که مستند به روایتی باشد، و یا در تاریخ ثابت شده باشد، وجه شرعی ندارد، مگر آن که نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلّم بوده و علم به خلاف بودن آن، نداشته باشد. و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است، به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

پخش صدا از بلندگو

۴. از ساختمان حسینیه صدای قرائت قرآن و مجالس عزا بسیار بلند پخش می شود، و این امر منجر به سلب آسایش همسایگان شده است، و مسئولین و سخنرانان حسینیه اصرار به ادامه آن دارند، این عمل چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای:اگرچه اقامه مراسم و شعائر دینی در زمان‌های مناسب در حسینیه از بهترین کارها و جزو مستحبّات مؤکّد می باشد، ولی لازم است برگزارکنندگان مراسم و عزاداران تا حدّ امکان از اذیّت و ایجاد مزاحمت برای همسایگان بپرهیزند، هر چند با کم کردن صدای بلندگو و تغییر جهت آن به طرف داخل حسینیه باشد.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

استفاده از آلات موسیقی در عزاداری

۵. استفاده از آلات موسیقی مانند اُرگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آن‌ها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای:استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری نیست؛ و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود.

آیت الله مکارم شیرازی: موسیقی در مسجد و حسینیه به طور کلی جایز نیست و در غیر آن استفاده از طبل و سنج در صورتی که آهنگ مناسب مجالس لهو و فساد نزنند، و به گونه ای نباشد که باعث ایذاء دیگران گردد جایز است ولی استفاده از سایر آلات موسیقی از جمله دف جایز نیست.

پی نوشت: -سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

- سایت آیت الله مکارم شیرازی(www.makaram.ir)

آسیب رساندن به بدن

۶. اگر انسان در زیارتگاه‌های ائمه (علیهم‌السلام) خود را به زمین بیندازد، و همانند بعضی از مردم که صورت و سینه خود را برزمین می مالند تا از آن خون جاری شود، و به همان حالت وارد حرم می شوند، عمل کند، چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای:این اعمال که به عنوان اظهار حزن و عزاداری سنّتی و محبت ائمه(علیهم‌السلام) محسوب نمی شوند، از نظر شرعی اعتباری ندارند، بلکه اگر منجر به ضرر بدنی قابل توجه و یا وهن مذهب شوند، جایز نیست.

پی نوشت:

سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www. leader.ir)

اموال باقیمانده از مجالس

۷. باقی‌مانده اموالی که به عنوان هزینه های مراسم عزاداری جمع آوری می شود، در چه موردی باید خرج شود؟

آیت الله خامنه ای:می توان اموال باقی‌مانده را با کسب اجازه اهداء کنندگان آن‌ها، در امور خیریه مصرف کرد؛ و یا آن‌ها را برای مصرف در مجالس عزاداری آینده نگه داشت.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

جابجایی نذورات

۸آیا می‌شود «اضافه‌خرج» مراسم فاطمیه را در محرّم خرج کرد؟

آیت الله خامنه ای:اگر نذر خاص نشده باشد، که در مراسم فاطمیه مصرف شود، و یا خلاف نظر اهدا کنندگان نباشد، اشکال ندارد.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

استحباب عزاداری ایام فاطمیه

۹. آیا شرکت در مراسم عزاداری ایام فاطمیه مستحب است؟

آیت الله خامنه ای:به طور کلی هر عملی که موجب تعظیم شعائر دینی باشد، دارای اجر و ثواب است.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

جلسات هفتگی عزاداری اهل بیت(علیهم السلام)

۱۰. عزاداری برای اهل بیت(علیهم السلام) که به صورت جلسات هفتگی برگزار می‌شود، چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای:به طور کلی عزاداری برای اهل بیت عصمت و طهارت(علیهم السلام)، امری مطلوب و مورد تأکید ائمه(علیهم السلام) است.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

جشن عروسی در ایام فاطمیه

۱۱. برگزاری مراسم عروسی در ایام فاطمیه جایز است؟

۱۲. در صورت عدم جواز، آیا نسبت به مراسمی که برگزار می شود، تکلیفی داریم؟

آیت الله خامنه ای:

۱۱. به طور کلی برگزاری مجالس شادی در ایام عزای اهل بیت(علیهم السلام)، به طوری که هتك حرمت اهل بیت(علیهم السلام) محسوب شود، جایز نیست.

۱۲.با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ای جز نهی از منکر زبانی ندارید، و در صورت عدم تأثیر، باید به مسؤولین مربوطه اطلاع دهید.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

روضه خوانی توسط زن

۱۳. آیا روضه و نوحه خواندن توسط زن در مجالس زنانه در صورتی که نامحرم صدای او را می شنود، جایز است؟

آیت الله خامنه ای: اگر زن می داند نامحرم صدای او را می شنود، در صورتی که موجب جلب توجه و تهییج نامحرم، یا مستلزم مفسده دیگری باشد، جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: باید به شکلی بخوانند که صدای آنها را نامحرم نشنود.

پی نوشت: -سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

- سایت هدانا www.hadana.ir

لباس مشکی در ایام فاطمیه

۱۴. آیا پوشیدن لباس مشکی در ایام فاطمیّه مکروه است؟

آیت الله خامنه ای:پوشیدن لباس مشکی در ایام عزای خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) به منظور تعظیم شعائر الهی و اظهار حزن و اندوه، دارای اجر و ثواب است.

آیت الله مکارم شیرازی:با توجه به این که پوشیدن لباس مشکی در ایام شهادت حضرات معصومین نوعی تعظیم شعائر الهی محسوب می شود کراهت ندارد.

پی نوشت: -سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)
-سایت آیت الله مکارم شیرازی(www.makaram.ir)

توسل به حضرت زهرا سلام الله علیها درحال سجده

۱۵. آیا این که بعد از نماز حاجت، طبق نقل به سجده رفته و به حضرت زهرا(سلام الله علیها) توسل بجوییم، از نظر شرعی مشکلی ندارد؟

آیت الله خامنه ای: سجده برای غیر خدا جایز نیست، ولی توسل به اولیاء الهی و اهل بیت(علیهم السلام) در حال سجده اشکال ندارد و به معنای سجده برای غیر خداوند متعال نیست.

پی نوشت:
سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

گوش دادن به موسیقی در ایام فاطمیه

۱۶.آیا گوش دادن به آهنگهای حلال و غمگین در ایام فاطمیه جایز است؟

آیت الله خامنه ای: اگر خلاف شأن و حرمت ایام عزای اهل بیت(علیهم السلام) باشد، جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی: کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است. حرمت گوش دادن به آهنگ های حرام، در ایام عزا بیشتر است و مناسب است از گوش دادن به موسیقی های حلال که با این ایام تناسب ندارد پرهیز شود.

پی نوشت: -سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)
-سایت آیت الله مکارم شیرازی(www.makaram.ir)

تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها)

۱۷.آیا در تعقیبات نماز، تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) را باید بلافاصله بعد از نماز بگوییم یا فاصله بین نماز و تسبیحات آن حضرت اشکال ندارد؟

آیت الله خامنه ای:تعقیبات نماز که از جمله بهترین آنها تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) است، باید بعد از فراغ از نماز واجب یا مستحب، متصل به نماز انجام شود به گونه ای که عرفا تعقیبات آن نماز محسوب شود، و اگر بین نماز و تسبیحات حضرت زهرا(سلام الله علیها) تعقیبات دیگری مانند ذکر و دعا فاصله شود، اشکال ندارد.

پی نوشت: سایت مقام معظم رهبری- احکام فاطمیه(www.leader.ir)

حدود ایام شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها):

۱۸. احتراماً محدوده دو دهه فاطمیه را بیان فرمایید و همچنین برگزاری مراسم جشن عقد و عروسی و امثال آن در این مدت چگونه است؟

آیت الله مکارم شیرازی :سه روز ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ جمادی الاول و سه روز ۱و ۲ و ۳ جمادی الثانی بنابر معمول به «فاطمیه» اختصاص دارد ولی در بین این دو برگزاری مراسم عقد و عروسی (با رعایت تمام موازین شرعی) مانعی ندارد.

پی نوشت: سایت آیت الله مکارم شیرازی(www.makaram.ir)

تاریخ شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع

۱۹. این که سه دهه فاطمیه داریم آیا بر اساس سند های شیعی می باشد یا خیر؟ آیا اینکه می گویند دهه فاطمیه ۴۵ روزه ای نداریم چقدر صحت دارد؟ معیار شروع دهه فاطمیه چه زمانی است؟ قبل از شهادت یا بعد از روز شهادت شروع می شود؟

آیت الله مکارم شیرازی :در مورد سالروز شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) دو روایت است یکی اینکه ایشان ۷۵ روز بعد از رحلت پیغمبر اکرم (ص) به شهادت رسیدند که می شود ۱۳ جمادی الاول و دیگری اینکه ۹۵ روز بعد از رحلت پیغمبر به شهادت رسیدند که می شود ۳ جمادی الثانی و طول این ۲۰ روز را ایام فاطمیه نامیده اند.

پی نوشت: سایت آیت الله مکارم شیرازی(www.makaram.ir)

بخش کلام و عقاید

مقدمه:

می دانیم در آئین اسلام،مسلمین وظایفی دارند.در سوره فتح دراین باره می خوانیم:« لِّتُؤْمِنُواْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلا؛تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید.» (فتح/۹) . در این آیه دو وظیفه دربرابر خداوند و سه وظیفه دربرابر رسول الله صلی الله علیه و اله از مسلمانان خواسته شده است. ایمان به خدا و تسبیح او در صبحگاهان و شامگاه وظایف ما درباره خداوند است.ایمان به رسول الله،یاری کردن ایشان و تعظیم ایشان وظایف مسلمین نسب به خاتم انبیاء است.

این دفاع در روزگار ما گونه های مختلفی دارد.از مهمترین آن دفاع عالمانه از دین و پاسخ به شبهات دشمنان دین است. با توجه به این اینکه رسول الله صلی الله علیه و اله دخترشان فاطمه زهراء سلام الله علیها را به اجزای وجودی خود چون مویشان تشبیه کردند.(صدوق،الامالی،ص۳۳۰،ح۱۰) دفاع از ایشان عینا مثل دفاع از رسول الله شرط ایمان است.با توجه به ایام فاطمیه به برخی از سوالات و شبهات مطرح اشاره و پاسخ مختصری ارائه میشود.باشد که قبول افتد.

۱. اگر خلیفه ی دوم، قاتل حضرت زهرا سلام الله علیها است چرا پس از ایشان، علی علیه السلام، ام کلثوم را به تزویج او درآورد؟

توضیح :این شبهه از قدیمی ترین شبهات فاطمیه است که از زمان شیخ مفید (م ۴۳۰ق) تا کنون مطرح شده و علمای مذهب امامیه بدان پاسخ داده‌اند.مخالفین برای انکار شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها می گویند:هیچ کسی دخترش را به ازدواج قاتل همسرش در نمی آورد. چون عمر بن الخطاب داماد علی علیه السلام است بهترین گواه بر دروغ بودن شهادت فاطمه زهراء است.در ادامه چند پاسخ به اختصار تقدیم می شود.

۱,۱.جواب نقضی:

الف) حضرت لوط از مخالفینتش درخواست کرد با دختران وی ازدواج کنند و دست از میهمانانش بردارند (هود/۷۸). آیا کسی هست از عمل جناب لوط نتیجه بگیرد مخالفینش انسانهای خوبی هستند .

ب) پیامبر صلی الله علیه و اله دو دخترش را به دو کافر به نام عتبة بن أبی لهب و أبو العاص بن الربیع می دهد .

ج) دختر عبد الله بن جعفر از اصحاب رسول الله با حجاج بن یوسف ناصبی خونریز ازدواج کرده است (مسند احمد،ج۳،ص۲۸۵و۲۸۶،ح۱۷۶۲ ط موسسة الرسالة [الأرنؤوط محقق کتاب درباره این حدیث می نویسد: إسناده حسن) در نظر اهل سنت تمام اصحاب رسول الله عادل هستند آیا چنین ازدواجی برای حجاج بن یوسف – لعنة

الله علیه – فضیلت به حساب می آید ؟! آیا چنین ازدواجی وی را ماجور می سازد ؟! آیا چنین ازدواجی نشان دهنده ی محبت بین حجاج – لعنهٔ الله علیه – و عبد الله بن جعفر – رضی الله عنه – می باشد ؟! آیا مخالفین راضی می شوند تا به عبد الله بن جعفر صحابی (رض) طعن بزنند و غیرت و شجاعت وی را محل شک و تردید قرار دهند ؟! دقیقا همین مطالب در مورد ازدواج ام کلثوم و عمر بن الخطاب (بر فرض پذیرش) می تواند صدق کند!.

۱,۲ جواب حلی:

الف) شیخ مفید در دو رساله مجزا به نام های «المسائل العکبریه» و «المسائل السرویه» و عده ای دیگر وقوع چنین ازدواجی را منکر شده اند. اینان اختلافات متعدد در گزارش این ازدواج را بهترین دلیل بر دروغ بودن آن دانسته‌اند .(مفید،المسائل السرویه،صص۸۹–۹۰)

ب) نووی و ابن عبدالبر از عالمان بزرگ اهل سنت می نویسند:«طفلی که در رحم حبیبه بنت خارجه(همسر ابوبکر)بود دختر بود و نامش را ام کلثوم گذاشتند.عمر بن الخطاب با همین ام کلثوم ازدواج کرد » (.نووی،تهذیب الاسماء،ج۲،ص ۶۳۰،حرف الغین،ش۱۲۳۹؛ ابن عبدالبر،الاستیعاب،ج۲،ص۴۱۷).

ج) ازدواج عمر با زنی به نام ام کلثوم ـ محقق شده، ولی او دختر جرول است و مادر عبیدالله بن عمر است. (عینی،عمده لاقاری،ج۲۴،ص۲۱۴؛ذهبی،تاریخ الاسلام،ج۳،ص۲۷۵) .

د) چنین ازدواجی صورت گرفته است،لیکن فردی از طایفه جن با نام «سحیقهٔ بنت حریریهٔ» به صورت ام کلثوم درامد و عمر بن الخطاب با او ازدواج کرد. (محمد تقی مجلسی، روضهٔ المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه،ج۸،ص۱۲۷).

ه) چنین ازدواجی صورت گرفته است،لیکن به خاطر اضطرار و تقیه بوده است . توضیح اینکه: چند روایت در منابع حدیثی ما وجود دارد،که حکایت از وجود دختری با نام ام کلثوم در میان فرزندان امام علی دارد که وی با عمر بن الخطاب ازدواج کرده است . لیکن وقتی اصل روایت را میبینیم نه تنها فضیلتی برای خلیفه دوم ثابت نمی شود بلکه بیشتر مظلومیت اهل بیت و امام علی علیه السلام ثابت میشود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «عمر بن الخطاب به عباس پیغام داد که به علی علیه السلام بگوید :اگر این دختر را به عقد من درنیاوری چاه زمزم را پر خواهم کرد،و دو شاهد می اورم که علی علیه السلام دزدی کرده و دستت را قطع خواهم کرد.» (کلینی،الکافی،ج۵،ص۴۶) .وقتی این متن را می بینیم به هیچ عنوان نشانه ای از محبت طرفین در ازدواج نمی یابیم. و چون این ازدواج اکراهی و از سر تقیه بوده است (مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۲۰، ص: ۴۶) نمی تواند دلیل بر رد شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها باشد.

نتیجه:

۱. ازدواج عمر با ام کلثوم در منابع اهل سنت به صورت متناقض آمده است و نیم توان بدان استناد کرد. دکتر محمد امینی نجفی در کتابش « انگیزه حکومت اموی وعباسی در جعل ازدواج عمر و ام کلثوم» به تفصیل آنرا بررسی کرده است.

۲. در منابع شیعی نیز روایاتی در این زمینه امده است.که برخی از اندیشوران امامی انرا نپذیرفته و عده‌ای دیگر نیز از ان اضطرار و تقیه فهمیده‌اند.

پس: این شبهه نمی تواند دلیلی باشد بر انکار شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها و حُسن روابط امام علی و خلفاء.

۲. آیا در صدر اسلام خانه های مدینه درب داشتند؟

توضیح سوال : بنا بر منابع تاریخی خانه های مدینه اصلاً درب نداشته اند که بتوان پذیرفت به خانه حضرت زهراء سلام الله علیها حمله و درب منزلش شکسته شد. همچنین در حدیثی امام صادق علیه السلام می فرمایند: «خانه های بنی هاشم درب نداشت» (صدوق،الخصال،ج۲،ص۳۷۳).

جواب:

۱. حضرت یعقوب به فرزندانش توصیه کرد از یک در وارد نشوند: « وَ قالَ یا بَنِیَّ لا تَدْخُلُوا مِنْ بابٍ واحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوابٍ مُتَفَرِّقَ .. (یوسف/۶۷) »، کتاب الهی در داستان همسر عزیز مصر می گوید:« وَ راوَدَتْهُ الَّتی هُوَ فی بَیْتِها عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَّقَتِ الْأَبْوابَ..؛ و آن زن که وی در خانه اش بود خواست از وی بر خلاف میلش کام بگیرد و درها را بست (یوسف/۲۳) ».قرآن حکیم یکی از خانه هایی که ورودش را جایز می داند،خانه‌ای است که کلیدش را در اختیار داشته باشیم: « ...أَوْ مَا مَلَكْتُم مَّفَاتحِه... (نور/۶۱) » همچنین آیات ذیل دلیلی روشن است که مردم در جزیره العرب با درب و کلید آشنا بودند که قرآن از آن برای ورود یاد کرده است : « فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ (قمر/۱۱) » ، « . وَ آتَیْناهُ مِنَ الْكُنُوزِ ما إِنَّ مَفاتِحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصْبَ (قصص/۷۶) » ، « وَ سِیقَ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّهْ زُمَراً حَتَّى إِذا جاؤُها وَ فُتِحَتْ أَبْوابُه (زمر/۷۳) » ، « جَنَّاتِ عَدْنٍ مُفَتَّحَهً لَهُمُ الْأَبْواب (ص/۵۰) » اگر مردم صدر اسلام خانه هایشان درب نداشت چگونه قرآن از آن یاد کرده است.

۲.بنا بر نرم‌افزار «فریقین» ۳۲ بار در صحاح سته اهل سنت عبارت :« فَأَغْلَقَ الْبَابَ؛بستن درب» ذکر شده است. همچنین عبارت « شَقِّ الْبَابِ؛شکاف درب» نیز هفت مرتبه تکرار شده است. در داستان ازدواج فاطمه زهرا و امیرمؤمنان علیهما السلام آمده است: « ...ثُمَّ قَامَ فَأَغْلَقَ عَلَیْهِ بَابَه؛ رسول خدا علی بن ابوطالب را احضار نمود و همان عملی را که با فاطمه انجام داده بود با علی نیز انجام داد. .. . سپس به علی و فاطمه علیهما السّلام فرمود: برخیزید بسوی خانه خود روید، خدا شما را نسبت به یک دیگر مهربان کند! و به نسل شما برکت دهد! و عاقبت شما را بخیر نماید! رسول خدا پس از این دعاها برخاست و دَرِ خانه را بست.» (طبرانی،المعجم الکبیر،ج۲۲،ص۴۱۲)

۳.ابن عساکر نقل می کند که رسول الله به درب خانه زهراء سلام الله علیها می امد و آیه: « إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً (احزاب/۳۳۹) » را قرائت می نمود.(ابن عساکر،تاریخ مدینه دمشق،ج۴۲،ص۱۳۷). ابن حجر در ضمن داستان فضه خادمه حضرت زهراء می نویسد: « جاء أعرابی کأنه من

أزدشنوءة فحمل الحزمة إلى باب فاطمة» (ابن حجر،الاصابه،ج۸،ص۲۸۲). و بالاخره ابن قتیبه داستان حمله به خانه فاطمه زهراء را چنین گزارش می دهد: « ثم قام عمر، فمشی معه جماعة، حتى أتوا باب فاطمة، فدقوا الباب، فلما سمعت أصواتهم نادت بأعلى صوتها: یا أبت یا رسول الله، ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب وابن أبی قحافة...؛عمر وگروهی همراه وی به خانه فاطمه رسیدند، دقّ الباب کردند، فاطمه هنگامی که صدای آنان را شنید، فریاد زد: ای پدر بزرگوارم، ای رسول خدا! پس از تو از دست پسر خطاب (عمر) و ابوقحافه (ابوبکر) چه رنجها که ندیدم.» (ابن قتیبه،الامامه و السیاسه،تحقیق:الزینی،ص۲۰) . ابوبکر نیز از گشودن درب منزل حضرت زهراء درآخر عمرش پشیمان شد. ابن شاذان قمی (م ۲۶۰ ق) و طبری (م ۳۱۰ ق) سخن ابابکر را چنین نقل کرده‌اند : «...وددت أنی لم أكشف بیت فاطمة ولو کان أغلق علی حرب» (ابن شاذان،الایضاح،ص۵۱۸؛طبری،تاریخ الامم و الملوک،ج۲،ص۶۱۸)

۴. آنچه از خصال شیخ صدوق که نقل شده است،تمام متن نیست که نشان از تدلیس شبهه افکن دارد. عبارت کامل متن چنین است: « نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ص لَا سُقُوفَ لِبُيُوتِنَا وَ لَا أَبْوَابَ وَ لَا سُتُورَ إِلَّا الْجَرَائِدُ وَ مَا أَشْبَهَهَا؛ درب خانه ما اهل بیت از چوب خرما و شبیه آن است»

نتیجه:

مردم عصر نزول قرآن و پیامبر چون خانه هایشان درب داشت متوجه آیات و روایاتی میشدند که در آن کلمه «درب» آمده بود . و آنچه ذکر شده چند مصداق از ده‌ها روایت حدیثی و تاریخی در این موضوع بود که در منابع فرقین منعکس شده است که مردم مدینه خانه هایشان درب داشته است. و غاصبان خلافت آنرا به زور گشودند.

۳. سند شهادت و روضه ی شهادت صدیقه ی طاهره سلام الله علیها، در بیان معصومان علیهم السلام

توضیح : گفته‌اند: اگر واقعا فاطمه زهرا سلام الله علیها، شهید شده است و چنان جنایت هولناکی اتفاق افتاده، چرا شما هیچ حدیثی در منابع خودتان در این مورد ندارید و فقط از منابع ما (سنیان) مطالبی نقل می کنید.

جواب:

شهادت فاطمه زهراء سلام الله علیها در منابع شیعی به نقل از معصومان آمده است.که به جهت اختصار به چند مورد اشاره می شود.

۳,۱. اصل شهادت حضرت زهراء و هتک حرمت ایشان.

۳,۱,۱. امام کاظم علیه السلام: «إِنَّ فَاطِمَةَ ع صِدِّيقَةٌ شَهِيدَةٌ؛ فاطمه راستگو و شهیده است» (کلینی،الکافی،ج۱،ص۴۵۸)

۳,۱,۲. امام باقرعلیه السلام فرمودند پیامبر حجاب الله است :«وَ مُحَمَّدٌ ص حِجَابُ اللَّهِ.» (بصائر الدرجات،ج۱،ص۶۴) اعمش از امام صادق علیه السلام نقل می کند. که ایشان شرایع دین را یکی پس از دیگری ذکر فرمودند تا اینجا که:« وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَاجِبَةٌ وَ مِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ ع وَ هَتَكُوا حِجَابَهُ فَأَخَذُوا مِنْ

فَاطِمَةَ ع فَدَكَ وَ مَنَعُوهَا مِيرَاثَهَا وَ غَصَبُوهَا وَ زَوْجَهَا حُقُوقَهُمَا وَ هَمُّوا بِإِحْرَاقِ بَيْتِهَا» (صدوق،الخصال،ج۲،ص۶۰۷)

امام حسین علیه السلام به عایشه فرمودند: « قَدِيماً هَتَكْتِ أَنْتِ وَ أَبُوكِ حِجَابَ رَسُولِ اللَّهِ» (کلینی،الکافی،ج۱،ص۳۰۰)

۳،۱،۳. امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که فاطمه سلام الله علیها از دنیا رفت، امیرمؤمنان علیه السلام بالای سرش ایستاد و فرمود: «. ...اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ ظُلِمَتْ فَاحْكُمْ لَهَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِين.. خدایا! فاطمه مورد ظلم ستمگران واقع شد، خودت در مورد او داوری نما، زیرا تو بهترین داوران هستی.» (صدوق،الخصال،ج۲،ص۵۸۸)

۳،۲. کیفیت شهادت ایشان

۳،۲،۱. امام علی علیه السلام در پاسخ سوال ابن عباس که دستگاه خلافت چرا از مغیره غرامت دریافت نمی کند،فرمودند: «.. اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ [بِالدُّمُوعِ] ثُمَّ قَالَ شَكَرَ لَهُ ضَرْبَةً ضَرَبَهَا فَاطِمَةَ ع بِالسَّوْط.. ؛ امیر المؤمنین علیه السّلام نگاهی به اطرافیانش کرد و چشمانش پر از اشک شد و فرمود: عمر خواست بدین وسیله از قنفذ بخاطر ضربتی که با تازیانه به فاطمه علیها السّلام زد تشکر کرده باشد .همان ضربتی که فاطمه علیها السّلام از دنیا رفت در حالی که اثر آن بر بازویش مانند دستبند باقی مانده بود .» (کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج۲، ص: ۶۷۵)

۳،۲،۲. سپس فرمود

۳،۲،۳. امام حسن به مغیره فرمودند: « وَ أَنْتَ الَّذِي ضَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَ أَلْقَتْ مَا فِي بَطْنِهَا؛ تو همان هستی که فاطمه دخت گرامی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله را ضربه زدی تا آنجا که خون آلود شده و فرزند در شکمش را سقط کرد» (طبرسی،الاحتجاج،ج۱،ص۲۷۸)

برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب ماساه الزهراء یا ترجمه آن با نام: «رنجهای فاطمه» مراجعه فرمایید. همچنین به مقاله ای با نام « مصایب حضرت فاطمه علیها السلام در منابع امامیه و رویکرد عالمان امامی» در تارنمای موسسه ولیعصر عجل الله فرجه به آدرس: «www.dte.bz/valiasr» مراجعه کنید.

۴. قبر مطهر فاطمه زهرا سلام الله علیهاکجاست؟

توضیح: یکی از سوالات مرتبط با ایام فاطمیه محل دفن فاطمه زهراء سلام الله علیها است.برخی محل دفن را در بقیع و عده‌ای در روضه النبی و گروهی انرا کنار قبر رسول الله دانسته‌اند. به نظر می رسد مطابق آنچه در ادامه می آید محل دفن ایشان در کنار قبر رسول الله باشد.و نسبت به دو احتمال دیگر قوت بیشتری دارد.هرچند اقوال دیگری نیز از سوی بزرگان مذهب بیان شده است.

اما دلایل و شواهد روایی و تاریخی:

۱. امام علی علیه السلام در تدفین همسرشان فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَنِّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النَّازِلَةِ فِي جِوَارِك؛درود بر تو ای رسول خدا از من و از دخترت که در جوار تو فرود آمده» (نهج البلاغه(صبحی صالح)،ص۳۲۰)

۲. در وصیت امام حسن علیه السلام چنین آمده است : « ثُمَّ وَجِّهْنِی إِلَی رَسُولِ اللَّهِ ص لِأُحْدِثَ بِهِ عَهْداً ثُمَّ اصْرِفْنِی إِلَی أُمِّی ع ثُمَّ رُدَّنِی فَادْفِنِّی بِالْبَقِیع..؛ مرا بر سر قبر رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله ببر تا با او تجدید عهد کنم، آنگاه مرا بطرف قبر مادرم علیها السلام برگردان، سپس مرا در بقیع دفن کن» (کلینی،الکافی،ج۱،ص ۳۰۰) مرحوم مجلسی در توضیحاین روایت می نویسد:«عبارت امام «ثم ردنی» دلالت دارد که قبر مادرشان در بقیع نیست» (مجلسی،مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج۳، ص: ۳۰۵)

۳. امام رضا علیه السلام: «دُفِنَتْ فِی بَیْتِهَا فَلَمَّا زَادَتْ بَنُو أُمَیَّةَ فِی الْمَسْجِدِ صَارَتْ فِی الْمَسْجِدِ؛از حضرت رضا علیه السلام راجع بقبر فاطمه علیها السلام پرسیدم، فرمود: در خانه خود بخاک سپرده شد، سپس چون بنی امیه مسجد را توسعه دادند جزء مسجد شد.». (کلینی،الکافی،ج۱،ص ۴۶۱،باب مولد الزهراء،حدیث۹.)

٤. بسیاری از علمای شیعه نیز محل قبر خاتون دو سرا را کنار رسول الله می دانند،که به چند نمونه اشاره میشود:

۴,۱. شیخ صدوق(۳۸۱ق) : «..وَ هَذَا هُوَ الصَّحِیحُ عِنْدِی؛قول صحیح در نزد من این است که زهراء سلام الله علیها در کنار پدرش مدفون است». (شیخ صدوق،من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص: ۵۷۲.)

۴,۲. محمد تقی مجلسی(۱۰۷۰ق):« و قول اول[دفن در کنار رسول الله] اظهر است و احادیث آن صحیح‌تر است» (محمد تقی مجلسی،لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج۳، ص: ۲۱۶.)

۴,۳. سید علی طباطبایی(۱۲۳۱ق):« و الأصح وفاقاً للصدوق و جماعة أنها دفنت فی بیتها».(ریاض المسائل (ط – الحدیثة)، ج۷، ص: ۱۹۴).

۴,۴. علامه حسن زاده آملی(معاصر): «حق این است که قبر حضرت فاطمه بنت رسول الله (صلوات اللّه علیهما) در مدینه در بقعه رسول اللّه و در جوار آن حضرت است.» (هزار و یک کلمه، ج۳، ص: ۴۴۶)

۵. آیا زهرای مرضیه ی سلام الله علیها در پایان عمر مبارک خود از خلیفه ی اول و دوم راضی شدند؟

توضیح: بر فرض که قبول کنیم، فاطمه سلام الله علیها در مقطعی از شیخین دلگیر شده باشد ؛ ولی این مطلب نیز ثابت است که شیخین در آخرین روزهای حیات فاطمه آمدند و از وی رضایت گرفتند؛ چنانچه بیهقی و دیگران نقل کرده‌اند: «عن الشعبی قال لما مرضت فاطمة أتاها أبو بکر الصدیق فأستئذن علیها فقال علی یا فاطمة هذا أبو بکر یستئذن علیک فقالت أتحب أن أأذن؟ قال نعم فأذنت له فدخل علیها یترضاها وقال والله ما ترکت الدار والمال والأهل والعشیرة إلا لإبتغاء مرضاة الله ومرضاة رسوله ومرضاتکم أهل البیت ثم ترضاها حتی رضیت؛هنگامی که فاطمه بیمار شد ابوبکر برای کسب رضایت نزد وی آمد و اجازه خواست تا او را ملاقات کند، علی به فاطمه فرمود: ابوبکر برای ملاقات اجازه می‌خواهد فاطمه فرمود: آیا شما دوست دارید وارد شود؟ علی فرمود: آری، پس فاطمه اجازه داد، ابوبکر وارد شد و جویای کسب رضایت فاطمه بود، ابوبکر گفت: به خدا سوگند خانه و زندگی و مال و ثروتم و خویشانم را ترک نکردم؛ مگر برای به دست آوردن رضایت و خوشنودی خدا و رسول و شما خاندان پیغمبر، پس فاطمه از وی راضی شد» (بیهقی،دلائل النبوه،سفرهفتم،ص۲۸۱).

جواب:

۱. سند روایت مرسل است؛ چرا که شعبی از تابعین است و خود شاهد ماجرا نبوده است. بر فرض این که مرسلات تابعی مورد قبول باشد، باز هم نمی‌توان روایت شعبی را پذیرفت؛ زیرا شعبی از دشمنان امیرمؤمنان علیه السلام و ناصبی بوده است. چنانچه بلاذری به نقل از خود شعبی اشاره می کند در عهد حجاج از حضرت علی علیه السلام بدگویی می کرده است (بلاذری،انساب الاشراف،ج۱۳،ص۵۷۶۱)

۲. غضب فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر از آفتاب روشن تر و غیر قابل انکار است. بخاری در صحیح‌ترین کتاب اهل سنت از تداوم غضب و قهر فاطمه سلام الله علیها بر ابوبکر، سخن گفته است.می‌نویسد:« فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رسول اللَّهِ صلى الله عليه وسلم فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فلم تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حتى تُوُفِّيَتْ؛فاطمه دختر رسول خدا از ابوبکر ناراحت و از وی روی گردان شد و این ناراحتی ادامه داشت تا از دنیا رفت».(بخاری،الجامع الصحیح،ج۲،ص۳۸۶) ابن شهرآشوب (م۵۸۸ق) از علمای شیعه نیز عدم رضایت حضرت زهراء از شیخین را ذکر کرده است (ابن هشرآشوب،مناقب آل ابی طالب،ج۳،ص۳۶۲)

۶. آیا وجود تاریخی محسن بن علی سلام الله علیه قابل اثبات است؟

توضیح سوال: آیا در منابع معتبره سخن از فرزند سقط شده ای به نام «محسن» آمده است. آیا طفلی که هنوز به دنیا نیامده فضیلتی داشته است که اینقدر برایش عزاداری می کنند.

جواب:

۱. بین ما ایرانیان نام ایشان «مُحسِن» معروف شده است.لیکن تلفظ درست نامشان«مُحَسِّن» است.(زبیدی،تاج العروس،ج۹،ص۱۷۸)

۲. نامگذاری این طفل شهید توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قبل از تولدش صورت گرفته است. امام علی علیه السلام فرمودند: «قَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ ص مُحَسِّناً قَبْلَ أَنْ يُولَدَ» (کلینی،الکافی،ج۶،ص۱۸) حتی در منابع عامه نیز این طفل شهید به عنوان فرزند امام علی علیه السلام شمرده شده است .منابعی چون: (تأريخ طبرىّ ۵: ۱۵۳، الكامل فى التأريخ ۳: ۳۹۷، أنساب الأشراف ۲: ۱۸۹، الإصابة ۳: ۴۷۱، و لسان الميزان ۱: ۲۶۸، ميزان الاعتدال ۱: ۱۳۹، القاموس المحيط ۲: ۵۵)

۳. در بیش از صد مصدر و منبع از منابع خاصه و عامه به او اشاره شده است (خرسان،المحسن مولود ام سقط،ص۸۸) در چهل منبع از کتابهای سنیان اشاره شده است حضرت علی فرزندی به نام محسن داشت (همان،صص ۹۳-۱۰۰)   سی و یک نفر از دانشوران سنی باور دارند محسن بن علی در کودکی از دنیا رفته است(همان، صص ۱۰۴-۱۱۱)

بیست و شش نفر نیزاعتراف کرده‌اند که ایشان سقط شده‌اند. (همان،صص ۱۲۱– ۱۲۸) شیعیان از گذشته تاکنون باور دارند که محسن بن علی در حمله به خانه خاتون دوسرا به شهادت رسید هاست. ابن عباس با سند صحیح از پیامبر صلی الله علیه و اله نقل کرده است که ایشان فرمودند: «...وَ أَسْقَطَتْ جَنِينَهَا وَ هِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاه؛فاطمه

جنینش سقط شده و فریاد میزند: یا محمداه» (صدوق،الامالی،ص۱۱۴) هشام بن حکم از متکلمان بزرگ قرن دوم هجری و شاگرد برجسته امام صادق علیه السلام چنین باوری داشته است. عبدالرحمن ملطی(م۳۷۷ق) اعتقاد هشام را چنین گزارش میکند: «فزعم هشام... و أبا بکر مر بفاطمة علیهما السلام فرفس بطنها فأسقطت و کان سبب علتها و موتها، و أنه غصبها فدک،..» (ملطی،التنبیه و الرد علی أهل الأهواء و البدع، ص: ۲۲) .شیخ مفید (م ۴۷۸ق) اعتقاد شیعه را چنین گزارش می دهد: « شیعه باور دارد که این این محسن همان طفل سقط شده حضرت زهراء است که نامش توسط پیامبر صلی الله علیه و اله انتخاب شد» (مفید،الارشاد،ج۱،ص۳۵۵).شاگردش شیخ طوسی (م ۴۶۰) نیز می گوید :در این نظر هیچ اختلافی بین شیعه نیست (طوسی،تلخیص الشافی،ج۳،ص۱۵۶) عبدالجلیل قزوینی (م ۵۶۰ق) دانشور نامدار شیعی نیز در مناظره خودش با سنیان گوید: «آنگه گفته است: «و گویند که: عمر در بر شکم فاطمه زد و کودکی را درشکم او کشت که رسول او را محسن نام نهاده بود». اما جواب آنست که این خبریست درست؛ و برین وجه نقل کرده‌اند، و در کتب شیعی و سنّی مذکور و مسطور است،م (قزوینی رازی،نقض،ص۲۹۸) .

نتیجه:

واضح شد،محسن بن علی وجود خارجی دارد روایتی در عظمتش آمده است. و علمای فرقین درباره‌اش سخن گفته اند. و شهادتش در اثر حمله به بیت وحیقابل انکار نیست. به جهت اختصار خلاصه ای از مدارک موجود را یادآور شدیم .جهت مطالعه بیشتر نک: کتاب: سید محمد مهدی موسوی ،المحسن السبط مولود ام سقط؛ عبدالمحسن قطیفی،المحسن بن فاطمه و مقاله: محمد رضا جباری و یاوری سرتختی،بررسی اخبار محسِّن بنعلی در منابع فرقین،تاریخ اسلام در آئینه پزوهش،سال دوزادهم،شماره دوم،۱۳۹۴،ص۳۳-۶۶.

۷. چند کتاب درباره اسناد شهادت حضرت زهرا معرفی کنید.

در این زمینه کتابهای متعدد عربی و فارسی وجود دارد.همچنین غیر از مکتوبات در سایتهای شیعی نیز فیلم،صوت و متن در این زمینه وجود دارد. به برخی از آنها اشاره می شود.

۷,۱. منابع فارسی.

کتاب: علی لباف، دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام (ج. ۱ و ۲)؛ عصیری،پاسخ به شبهات فاطمیه؛ مهدی خانی، شهادت فاطمة الزهراء علیهاالسلام به روایت اهل سنت؛ خیرالله مردانی، اسناد شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام از دیدگاه شیعه و سنی؛ عبدالرضا دریایتی، روشی نو در ارائه اسناد شهادت حضرت زهرا علیها السلام؛ مقاله: هاشم خراسانی،اثبات شهادت حضرت زهرا علیها السلام (طبق کتب اهل سنت).

سایت: موسسه ولیعصر عجل الله فرجه به آدرس: « www.valiasr-aj.com » در این سایت با جستجوی عبارت «شهادت حضزت زهراء» مطالب فروانی در دسترس است.

۷,۲. منابع عربی

کتاب: آیت الله قزوینی،شبهات وردود حول مظلومیه الزهراء ؛آیت الله میرزا جواد تبریزی،ظلامات فاطمه الزهراء؛ آیت الله سبحانی،الحجه الغراء علی شهادت الزهراء؛ عبدالزهراء المهدی،الهجوم علی بیت الوحی؛

۸. خطبه فدکیه چیست و آیا سند دارد ؟

۱. ازجمله اموالی که متعلق به فاطمه زهراء بود فدک است. فدک،روستایی است در حجاز که فاصله ان تا مدینه دو یا سه روز است. در سال هفتم حجری اهالی این روستا بدون درگیری و جنگ تسلیم شدند وو این محل آب فراوان و نخلستانهای زیادی دارد (حموی،معجم البلدان،ج۴،ص۲۳۹).و این محل اختصاص به رسول الله صلی الله علیه و اله داشت و مسلمین در آنهیچ حقی نداشتند (ذهبی،تاریخ الاسلام،المغازی،ص۴۲۲) ابی سعید خدری روایت کرده است که پس از نزول آیه: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّه (اسراء/۲۶) » پیامبر این محل را به زهرای بتول داد. (هیثمی، کشف الاستار عن زوائد البزار،ج۳،ص۵۵؛ علامه حلی، نهج الحقّ و کشف الصدق،ص۳۵۸) زرکشی از ابن السمعانی آورده است که که رسول الله، فدک را به فاطمه زهراء هدیه کردند (زرکشی،البحر المحیط،ج۲،ص۴۹۷۸). سید بن طاووس منابع، درآمد سالانه فدک را در زمان رسول خدا(ص) ۲۴ تا ۷۰ هزار دینار تخمین زده استد.(کشف المحجة لثمرة المهجة، ۱۳۷۰ق، ص۱۲۴.) و حمیری از عالمان سنی آنرا (۰۰۰/ ۱۰) دینار تخمین زده است. (الروض المعطار فی خبر الأقطار: ۴۳۷– ۴۳۸.) امروزه فدک در استان حائل کشور عربستان واقع شده است. بنابر گزارشی (در سال ۱۳۸۷ش) منطقه فدک به نام «وادی فاطمه» شناخته می‌شود و به نخلستان‌های آن «بستان فاطمه» می‌گویند. همچنین مسجدی و چاه‌هایی در این منطقه وجود دارد که به «مسجد فاطمه» و «عیون فاطمه» مشهور است. (مجلسی کوپائی، فدک از غصب تا تخریب، ص۲۴۸ و ۲۵۰.)

۲. وقتی ابوبکر خلیفه شد،فدک را از حضرت زهرا سلام الله علیها به زور گرفت. خاتون دوسرا برای احقاق حقشان به گفتگو با وی نشست با آیات قران و شهادت امام علی و ام ایمن باعث شد تا ابوبکر نامه ای نوشت تا کسی متعرض ایشان در این زمینه نشود. وقتی فاطمه(س) از مجلس بیرون آمد، عمر بن خطاب او را دید و نوشته را گرفت و پاره کرد.کلینی از علمای بزرگ شیعه این ماجرا را چنین گزارش کرده است.« ...ثُمَّ تَفَلَ فِیهِ وَ مَحَاهُ وَ خَرَقَه عمر گفت: دختر محمد! چه همراه داری؟فرمود: نامه‌ایست که پسر ابی قحافه برایم نوشته است، گفت: آن را بمن نشان ده، فاطمه نداد، عمر آن را از دستش چنگ زد و مطالعه کرد سپس روی آن آب دهن انداخت و پاک کرد و پاره نمود » (کلینی،الکافی،ج۱،ص۵۴۳؛همچنین در منابع سنیان به پاره کردن قباله فدک اشاره شده است. نک: ابن ابی الحدید،شرح نهج البلاغه،ج۱۶،ص۲۳۴؛حلبی، حلبی، السیرة الحلبیة، ج۳، ص۵۱۲). پس از این ماجرا خاتون دو سرا به مسجد رسول الله صلی الله علیه و اله رفتند و خطبه ای خواندند. (شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا، ۱۳۷۶ش، ص۱۲۱–۱۲۲.) که به «خطبه فدکیه » معروف و مشهور شد.

۳. این خطبه نه تنها مسائل فدک را بخوبی و حق اهل‌بیت در آن را بروشنی اثبات می‌کند، بلکه مشتمل بر مضامین بلند در معارف اعتقادی است. بیان اصول اعتقادی با بیانی شیوا، از توحید گرفته تا نبوت و معاد، اسرار احکام،

اوامر و نواهی قرآن، ذکر وضع مردم قبل از بعثت رسول اکرم، مبارزات و سختیهای پیامبر اکرم و علی علیه السلام در راه پیروزی و تثبیت دین خدا، فتنه‌های دشمنان و برخی مسلمان‌نماها در مسیر تثبیت اسلام، جانشینی علی علیه السلام از طرف خدا توسط پیامبر در غدیرخم، رحلت پیامبر و عهدشکنی برخی مسلمین، غصب خلافت و مخالفت با حکم خدا و قرآن در مسئلهٔ خلافت، غصب فدک و مخالفت با احکام صریح الهی در قرآن و... از جمله مطالب این خطبه است که در نهایت اختصار و در اوج استحکام و زیبایی بیان شده‌اند. خطابه حضرت زهراسلام الله علیها با اسناد زیادی نقل شده که بسیاری از آنها بدست ما نرسیده و یا اگر رسیده متن کامل خطبه را همراه نداشته و فقط قسمتهایی از آن را نقل کرده است، اسنادی که تاکنون بدست ما رسیده و خطبه کامل حضرت را برای ما نقل کرده باشد، بیش از بیست سند است (فتحیه فتاحی زاده، محمدرضا رسولی راوندی ،اسناد و شروح خطبه‌های حضرت زهرا سلام الله علیها ،فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه،سال دوازدهم، شماره ۴۵ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۱_ ۲۴)

برای مطالعه بیشتر نک: سید محمد باقرحسینی جلالی، فدك و العوالی أو الحوائط السبعهٔ فی الكتاب و السنهٔ و التاریخ و الأدب؛ مجلسی کوپائی، فدک از غصب تا تخریب؛ آیت الله سید علی حسینی میلانی،فدك در فراز و نشیب؛ آیت الله میرزا جواد تبریزی،الفدك؛ شهید صدر، فدک فی التاریخ؛

۹. چرا امام علی علیه السلام بعد از به دست گرفتن خلافت، فدک را به مالکان اصلی برنگرداندند؟

توضیح سوال: اگر گفته شد فدک حق زهراء و علی است،چرا پس از اینکه خلافت را به دست گرفت احقاق حق نکرد و ملکش را از غاصبان ان نگرفت.همین عمل علی بن ابی طالب سلام الله علیه نشان میدهد مدعای شیعه درست نیست.

جواب:

۱. در جامعه بسیاری از بدعت ها جای سنت ها را گرفته بود و بسیاری از حقایق اسلامی دستخوش تغییر شده بود به طوری که امام شافعی در کتاب ام از وهب بن کیسان نقل می کند : « کلّ سنن رسول اللّه قد غیّرت حتی الصلاهٔ؛ تمام سنت و شریعت پیامبر گرامی حتی نماز هم تغییر یافته است» (کتاب الام،ج۱،ص۲۰۸) مالک نقل می کند:«ما أعرف شیئاً مما أدرکت الناس إلا النداء بالصلاهٔ؛ از مردم جز دعوت به نماز ، چیزی را نمی بینم » (الموطّأ،ج۱،ص۷۳) از همین رو است از عمران بن حصین صحابی پیامبرکه در بصره وقتی پشت سر علی بن ابی طالب علیه السلام نماز می خواند ، می گوید: نماز علی یاد آور نمازی است که با پیامبر گرامی گرامی به جای می آوردیم. (صحیح البخاری،ج۲،ص۱۰۶، باب اتمام التکبیر فی الرکوع ؛ احمد بن حنبل،المسند،ج۳۳، ص: ۱۷۲) علی (علیه السلام) احساس نمود که اگر چنان که بخواهد ناهمواری های گذشته اصلاح نماید و بدعت ها را برگرداند جامعه آن روز تاب تحمل آن را ندارند. به عنوان نمونه: نماز تراویح که توسط خلیفه دوم تاسیس شد (صحیح بخاری ج۱ ص۳۴۲) حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خویش به امام حسن دستور داد که

مردم را از خواندن این نماز مستحبی به جماعت ، جلوگیری کند ولی مردم همه فریاد در آوردند : «وا عمراه ، وا عمراه ،» به دنبال آن حضرت امیر علیه السلام فرمود:« قل لهم صلوا» (شیخ طوسی،تهذیب الأحکام (تحقیق خرسان)، ج۳، ص: ۷۰)

۲. علی علیه السلام در این خصوص همان کاری را کردند که پیامبر (ص) در جریان خانه کعبه انجا دادند. ایشان خواستند در کعبه تغییری ایجاد کنند اما چون از دین مردم و بر گشتن آنها به عصر جاهلیت ترسیدند لذا این کار را ترک کردند. رسول الله صلی الله علیه و اله در نظر داشت دیوار را داخل کعبه کند و در کعبه را به زمین بچسباند (صحیح البخاری،ج۳،ص۱۱۹، بَابُ فَضْلِ مَكَّةَ وَ بُنْيَانِهَا) در صحیح مسلم نیز آمده است پیامبر می خواست گنجهای کعبه را در راه خدا انفاق کند اما بخاطر اینکه مردم تازه از جاهلیت در آمده بودند و احتمال بر گشت آنها باز به دوران جاهلیت و کفر بود لذا ترک کرد (صحیح مسلم،ج۲،ص۹۶۹، بَابُ نَقْضِ الْكَعْبَةِ وَ بِنَائِهَا) در منابع اهل سنت نیز در خصوص فدک اشاره شده است که حضرت بخاطر تقیه و بخاطر ترس از اینکه مردم نگویند مخالفت ابوبکر و عمر شد، لذا فدک را پس نگرفت عمر بن شبه النمیری گزارش داده است : « والله یکره أن یدعی علیه خلاف أبی بکر وعمر رضی الله عنهما » (عمر بن شبة النمیری البصری،تاریخ المدینة المنورة ،ج ۱، ص ۱۳۵)

۱۰. روایت صحیح در مورد شهادت حضرت زهرا در منابع اهل سنت.

توضیح: برادران اهل سنت ادعا دارند در منابع انها روایت صحیحی که حکایت گر شهادت فاطمه زهرا سلام الله علیها باشد نیست.و آنچه شیعه بدان استناد میکند دروغ است.

جواب:

۱. پنهان کردن حقایق

متاسفانه در بین کتابهای بزرگان عامه حذف و کتمان حقایق فراوان مشاهده میشود.ذهبی از دانشوران مشهور این طایفه می نویسد: « ..كَمَا تَقَرَّرَ عَنِ الكَفِّ عَنْ كَثِيْرٍ مِمَّا شَجَرَ بَيْنَ الصَّحَابَةِ، وَقِتَالِهِم رَضِيَ اللهُ عَنْهُم أَجْمَعِيْنَ، وَمَا زَالَ يَمُرُّ بِنَا ذَلِكَ فِي الدَّوَاوِينِ، وَالكُتُبِ، وَالأَجْزَاءِ،... فَيَنْبَغِي طَيُّهُ وَإِخْفَاؤُهُ، بَلْ إِعْدَامُهُ، لِتَصْفُوَ القُلُوْبُ وَتَتَوَفَّرَ عَلَى حُبِّ الصَّحَابَةِ وَالتَّرَضِّي عَنْهُمْ، وَكُتْمَانُ ذَلِكَ مُتَعَيِّنٌ عَنِ العَامَّةِ، اختلافات صحابه با یکدیگر و جنگ و نبرد با همدیگر،سزاوار است که تمام ان مطالب از بین برود و مخفی گردد،بلکه معدوم و نابود شود؛تا قلبها نسبت به صحابه صاف گشته و موجب محبت بیشتر مردم به صحابه شود» (ذهبی،سیر اعلام النبلاء،ج ۱۰،ص۹۲.) ابن هشام پیشوای تاریخی‌شان در مقدمه کتابش می نویسد من برخی مطالب ابن اسحاق را حذف کردم . یکی از علل این امر :« و بعض یسوء بعض الناس ذکره؛برخی مطالب را مردم دوست نداشتند بشنوند» آورده است (ابن هشام،السیره النبویه،ج۱،ص۵) ابن ابی دارم از راویان معتبر می گوید: «إنّ عمر رفس فاطمة حتّی اسقطت بمحسن ؛ عمر لگدی بر حضرت زهرا (س) زد تا محسن سقط گردید ». ذهبی ابتدا وی بسیار ستوده و گفته وی: امام و پیشوا، حافظ و دانشمند است. در آخر می نویسد: «شیخ ضال معثر؛ ان ابی دارم پیرمردی گمراه و خطا کار است» (سیر اعلام

النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۷۸.) چگونه می‌توان باور داشت که شخصی امام، حافظ و فاضل لقب بگیرد، در تمام عمرش ثابت قدم باشد، دارای حافظه قوی و معرفت دینی باشد، و روایتش در مرتبه‌ای باشد که تمام علما بر آن اتفاق دارند؛ ولی در عین حال به همین شخص، گمراه و خطا کار نیز گفته شود؟!

آیا تعریف‌ها و وصف‌هایی همچون: امام، حافظ، فاضل، موصوفا بالحفظ والمعرفهٔ، با کلماتی همانند: «شیخ ضال معثر» قابل جمع است؟ آری، تعصب بیش از حد و دفاع نامعقول از مکتب خلفا و تلاش یرای حفظ آبروی آن‌ها، شخصیت عظیمی همچون ذهبی را که به جرأت می‌توان او را از اعجوبه‌های تاریخ اسلام نامید، به جایی رسانده است که در یک صفحه از کتابش این گونه دچار دوگانه‌گویی می‌شود. برادران اهل سنت ما نباید با این وضع توقع داشته باشند جزئیات حادثه مثل کتابهای ما در آثار آنان نیز بیان شده باشد.لیکن با تمام این مطالب حقیقت همواره مثل آفتاب جلوه گری دارد. به برخی از اسناد صحیح عامی (=سنی) اشاره میشود.

۲. از ابن ابی دارم نقل کرده‌اند :« إنّ عمر رفس فاطمهٔ حتّی أسقطت بمحسن،عمر به فاطمه لگد زد که سبب سقط محسن گردید» (ذهبی،سیر اعلام النبلاء،ج۱۵،ص۵۷۸)

بلاذری (۲۷۰هـ) : با سند صحیح می نویسد : « إن أبابکر آرسل إلی علی یرید البیعهٔ ، فلم یبایع ، فجاء عمر و معه فتیلهٔ . فتلقته فاطمهٔ علی الباب فقالت فاطمهٔ : یابن الخطاب ! أتراک محرّقا علیّ بابی ؟! قال : نعم ، و ذلک أقوی فیما جاء به أبوک؛ ابو بکر به دنبال علی برای بیعت کردن فرستاد چون علی(علیه السلام) از بیعت با ابوبکر سرپیچی کرد، ابوبکر به عمر دستور داد که برود و او را بیاورد ، عمر با شعله آتش به سوی خانه فاطمه(علیها السلام) رفت. فاطمه(علیها السلام)پشت در خانه آمد و گفت: ای پسر خطّاب! آیا تویی که می خواهی درِ خانه را بر من آتش بزنی؟ عمر پاسخ داد: آری! این کار آنچه را که پدرت آورده محکم تر می سازد .» (انساب الاشراف، بلاذری، ج۱، ص۵۸۶) . راویان نقل بلاذری بدین قرارند

الف)مدائنی :رجالیان عامه وی را ستوده و حدیثش را معتبر می دانند (ذهبی،سیر اعلام النبلاء،ج۱۰،ص۴۰۰).

ب) مَسْلَمَهٔ بن محارب: ابن حبان از دانشوران بزرگ عامی وی را مورد اطمینان می داند.(ابن حبان،الثقات، ج۷، ص ۴۹۰).

ج) سلیمان التَیْمی: مزی در تهذیب الکمال می‌نویسد: «قال الربیع بن یحیی عن شعبهٔ ما رأیت أحدا أصدق من سلیمان التیمی کان إذا حدث عن النبی صلی الله علیه وسلم تغیر لونه؛ربیع بن یحیی از شعبهٔ بن حجاج نقل می‌کند که گفت: احدی را راستگوتر از سلیمان تیمی ندیدم، هر زمان که حدیثی از پیامبر اکرم نقل می‌نمود رنگش (صورتش) تغییر می‌کرد» (تهذیب الکمال ج ۱۲، ص۸).

د) عبدالله بن عون: نیز مزی در تهذیب اکمال می نویسد : « قال علی: وهذا قبل أن یحدث ابن عون، ولو کان ابن عون قد حدث ما قدم علیه عندی أحدا؛ قبل از اینکه ابن عون بر کرسی تدریس حدیث بنشیند علی بن مدینی می گفت : اگر ابن عون حدیث بگوید هیچ کس را بر او مقدم نمی کنم» (تهذیب الکمال ج ۱۵ ، ص ۳۹۷)

اگر بگویند ابن عون تابعی (=افرادی که پیامبر را ملاقات نکرده و آنچه نقل می‌کنند از اصحاب آن حضرت شنیده‌اند) است و مرسلات تابعی حجت نیست میگوییم: ملا علی قاری در رد این سخن که مرسل صحابی مورد قبول نیست می‌نویسد:«قلت:مرسل التابعی حجة عند الجمهور، فکیف مرسل من اختلف فی صحة صحبته؛مرسل تابعی، نزد تمام دانشمندان حجت است؛ چه رسد به مرسل کسی که در صحت صحابی بودن او اختلاف است. »
(مرقاه المفاتیح،ج۹،ص۴۳۴)

در اینجا ما به اختصار دوسند را ذکر کردیم،جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: « اسناد هجوم به خانه وحی و شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها» به آدرس :«b2n.ir/192789 » و سیزده مقاله با عنوان: « شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) واقعیتی انکار ناپذیر» در تارنمای «www.valiasr-aj.com».

۱۱. علت دفن شبانه حضرت زهرا سلام الله علیها چیست؟

توضیح سوال: دفن شبانه، نماز بدون حضور و اطلاع خلیفه،اسراری است که در درون خود پیام‌ها دارند. درست است که فاطمه این چنین خواست و این گونه وصیت کرد؛ ولی چه اتفاقی افتاده است که زهرا سلام الله علیها وصیت تاریخی‌اش را با این در خواست‌ها به پایان می‌برد؟! مگر نه این است که خشم و ناراحتی‌اش را نسبت به دشمنانش اظهار می‌کند و در واقع چندین پرسش را در برابر نگاههای تیز بین مورخان و آیندگان می‌گذارد تا به پرسند: چرا دختر پیامبر شبانه و پنهانی دفن شد؟ و چرا علی علیه السلام بدون اطلاع ابوبکر و عمر بر وی نماز خواند؟ آیا کسی که جانشین پیامبر بود (آن گونه که خود ادعا کرده‌اند) شایستگی نماز خواندن بر وی را نداشت؟ و...

جواب:

۱.دفن شبانه، در روایات اهل سنت

محمد بن اسماعیل بخاری می‌نویسد: «وَعَاشَتْ بَعْدَ النبی صلی الله علیه وسلم سِتَّةَ أَشْهُرٍ فلما تُوُفِّیَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِیٌّ لَیْلًا ولم یُؤْذِنْ بها أَبَا بَکْرٍ وَصَلَّی علیها؛فاطمه زهرا سلام الله علیها، شش ماه پس از رسول خدا زنده بود، زمانی که از دنیا رفت، شوهرش علی علیه السلام او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را با خبر نساخت» (صحیح بخاری،ج۶،ص۳۹۵،باب حرمه لحم الحمر الانسیه و ج ۳، ص ۲۵۳، کتاب المغازی، باب ۱۵۵ غزوة خیبر، حدیث ۷۰۴) ابن بطال در شرح صحیح بخاری می‌نویسد: «أجاز أکثر العلماء الدفن باللیل... ودفن علیٌّ بن أبی طالب زوجته فاطمة لیلاً، فَرَّ بِهَا من أبی بکر أن یصلی علیها، کان بینهما شیء؛ اکثر علما دفن جنازه را در شب اجازه داده‌اند. علی بن ابوطالب، همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر به او نماز نخواند؛ چون بین آن دو اتفاقاتی افتاده بود» (ابن بطال،شرح صحیح بخاری،ج۳،ص۳۲۵).

۲.دفن شبانه،در روایات شیعی

امام صادق فرمودند: « عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَيِّ عِلَّةٍ دُفِنَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) بِاللَّيْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا رِجَالٌ [الرَّجُلانِ]؛علی بن ابوحمزه از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا فاطمه را شب دفن کردند نه روز؟ فرمود: فاطمه سلام الله علیها وصیت کرده بود تا در شب وی را دفن کنند تا ابوبکر و عمر بر جنازه آن حضرت نماز نخوانند» (شیخ صدوق،علل الشرایع،ج۱،ص۱۸۵) سید محمد موسوی عاملی معروف به صاحب مدارک رضوان الله تعالی علیه می گوید:

إنّ سبب خفاء قبرها (عليها السلام) ما رواه المخالف والمؤالف من أنها (عليها السلام) أوصت إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) أن يدفنها ليلا لئلا يصلى عليها من آذاها ومنعها ميراثها من أبيها (صلى الله عليه وآله وسلم)؛علت مخفی بودن محل دفن فاطمه سلام الله علیها آن گونه که مخالف و موافق نقل کرده‌اند این است که آن حضرت به امیرمؤمنان علیه السلام سفارش کرد تا او را شبانه دفن کند تا آنان که او را اذیت کرده و از ارث پدرش محروم کرده بودند بر وی نماز نخوانند.» (مدارک الاحکام،ج۸ص۲۷۹)

نتیجه: با توجه به مدارک موجود و اعتراف بزرگان اهل سنت، دلیل دفن شبانه آن حضرت وصیت آن حضرت بود که نمی‌خواست افرادی که بر او ستم کرده‌اند، بر جنازه‌اش نماز بخوانند و با این کار خشم خود را از غاصبان خلافت جاودانه ساخت.

۱۲. جفای سلمان و حضرت زهرا سلام الله علیها

توضیح سوال: مطابق روایتی که سید بن طاووس اورده است، سلمان فارسی به فاطمه زهراء سلام الله علیها وارد شده در حالیکه ایشان حجاب کاملی نداشته و گاهی ساق پاهایشان پیدا میشود. در این دیدار حضرت زهراء سلام الله علیها به سلمان می گوید به من جفا کردی. حال آیا چنین مطلبی صحیح است؟

جواب:

۱. اصل روایت:

سید بن طاووس روایت مفصلی ذکر کرده است که آنچه ناظر به سوال است این قسمت روایت است که گفته: « .. .قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ فَهَرْوَلْتُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ فَإِذَا هِيَ جَالِسَةٌ وَ عَلَيْهَا قِطْعَةُ عَبَاءٍ إِذَا خَمَّرَتْ رَأْسَهَا انْجَلَى سَاقُهَا وَ إِذَا غَطَّتْ سَاقَهَا انْكَشَفَ رَأْسُهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنِي بَعْدَ وَفَاةِ أَبِي ص قُلْتُ حَبِيبَتِي...؛ سلمان می‌گوید: من به‌سوی خانه فاطمه حرکت کردم، پس از ورودم به خانه دیدم که فاطمه نشسته و یک قطعه عبا در بردارد ولی هرگاه آن را روی سرش می‌کشد پاهایش بیرون می‌ماند و هرگاه پاهایش را می‌پوشاند سرش نمایان می‌شود. فاطمه به من فرمود:به پس از پدرم به ما جفا کردی». (سید بن طاووس،مهج الدعوات و منهج العبادات،ص۶و۷)

۲. بررسی روایت

۲,۱. این روایت، را سید ابن طاووس به جهت این‌که حضرت زهرا(سلام الله علیها) دعایی را برای رفع تب به سلمان فارسی تعلیم می‌دهد، «حرز حضرت فاطمه» نام‌گذاری کرده است.

۲,۲. برخی از راویان این روایت، اسمی از آنها در منابع رجالی نیامده و مجهول هستند. از این‌رو، این روایت دارای سند معتبری نیست. مثلا: ۱ـ حسن بن محمد بن سعید می باشد که توثیق ندارد (المفید من معجم رجال الحدیث، ص ۱۵۴) ؛ ۲ـ جعفر بن محمد بن بشرویه مجهول است (علی النماری الشاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث،ج۲،ص۱۹۱) ۳ـ عبد الله بن سلمان الفارسی مجهول (همان،ج۵،ص۲۶)؛ ۴ـ محمد بن إدریس بن سعید الأنصاری(مجهول).

۲,۳. سخن فاطمه زهراء تنقیص سلمان نیست چه انکه ابتدا حضرت علی فرمودند :« يَا سَلْمَانُ جَفَوْتَنَا بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ» کلمه «جفوتنا» به معنای دوری کردن است. یعنی مردم از ما دوری کردند تو چرا دوری میکنی. سلمان پاسخ داد: « فَقُلْتُ حَبِيبِي أَبَا الْحَسَنِ مِثْلُكُمْ لَا يُجْفَى غَيْرَ أَنَّ حُزْنِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص طَالَ فَهُوَ الَّذِي مَنَعَنِي مِنْ زِيَارَتِكُم؛ ای حبیب من مگر میشود از شما دور بود! در فراق رسول الله محزون بودم و نتوانستم به زیارت شما برسم» در ادامه می خوانیم که فاطمه زهراء مشتاق دیدار او بوده است. در نتیجه این حدیث منقصت مقام سلمان نیست.

۲,٤. در متن روایت چنین آمده است که: حضرت زهرا سلام‌الله علیها، «عباء» بر سر داشتند. با دقت در معنای «عباء» اشکال سخیف وهابیان روشن می‌شود.در کتاب‌های لغت چنین آمده است: «و هی آخر لباس تلبس عند الحرکة الی مقصد؛ عباء، آخرین لباسی است که هنگام حرکت به سمت مقصد پوشیده می‌شود». (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج۸ ص: ۱۰) پس مشخص می‌شود، حضرت زهرا سلام‌الله علیها حجاب کامل داشته و علاوه بر آن پارچه‌ی بلندی بر بدن گرفته بودند که با پوشاندن سر، پاهایی که باحجاب دیگر پوشیده شده بود، بیرون می‌ماند. روایاتی تصریح دارد که برخی از زنان عادی و متدیّن آن موقع در زیر عبایی که داشتند، شلواری می‌پوشیدند که تمام پای آنها را می‌پوشاند مانند آنچه امروزه در زیر لباس‌هایی مانند مانتو شلوار می‌پوشند، پیامبر اسلام(ص) فرمود: «خداوند رحمت کند زنانی که پای خود را با پوشیدن شلوار درست می‌پوشانند» (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۷.) پس ادعای بی حجابی فاطمه زهراء بی اساس است.

۲,۵.طبق نظر بزرگان شیعه و سنی، سلمان فارسی پیرمردی با حداقل ۲۵۰ سال سن بوده‌اند. (الاستیعاب، ج ۲، ص ۱۹۵) و بر اساس آیات نورانی قرآن کریم، رعایت حجاب برای بانوان در مقابل مردانی که به خاطر داشتن سن بالا، هیچ میلی به زنان ندارند، لزومی ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «...غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجال...». (نور/۳۱)

نتیجه اینکه: وهابی‌ها با استناد به یک روایت ضعیف و با ارائه دادن یک ترجمه غلط، رسوایی دیگری برای خود رقم زدند.

۱۳. چرا با وجود امام علی علیه السلام، حضرت زهرا سلام الله علیها اقدام به باز نمودن درب کردند؟

توضیح سوال: گفته اند، اولا: مطابق کدام منبع ادعا میکنید حضرت زهرا پشت درب خانه‌اش بوده است؟ ثانیا: بر فرضی چنین مطلبی را بپذیریم یعنی شما اینقدر علی بن ابیطالب را بی غیریت میدانید که همسرش را به مصاف مردان نامحرم بفرستند و شاهد جسارت به وی باشد؟.

پاسخ:

۱. علت رفتن پشت درب توسط صدیقه شهیده

۱،۱.آن چه که از برخی از روایات استفاده می شود: حضرت فاطمه سلام الله علیها نزدیك در ورودی منزل نشسته بود و با دیدن عمر و همراهان وی، در را به روی آنان بست. مرحوم عیاشی در تفسیرش ، نوشته اند: :« ... فلما انتهینا إلى الباب فرأتهم فاطمة صلوات الله علیها أغلقت الباب فی وجوههم وهی لا تشك أن لا یدخل علیها إلا باذنها، فضرب عمر الباب برجله فكسره، وكان من سعف، ثم دخلوا فأخرجوا علیا (علیه السلام) ملببا.... ؛...چون نزدیك خانه رسیدیم، فاطمه آنان را دید و لذا در را بست و شك نداشت که بدون اجازه وارد نخواهند شد، عمر در را که از شاخه های خرما ساخته شده بود، با لگد شکست، سپس وارد خانه شدند و علی را بیرون آوردند در حالی که کمرهای خود را بسته بودند.» (عیاشی،تفسیر العیاشی،ج۲،ص۶۷) . از برخی روایات دیگر مشخص می شود، حضرت فاطمه پشت در بود و از پشت در با آنها صحبت می کردند تا مانع ورود آنها بشوند. علامه مجلسی می نویسد: « فاطمة فوقفت من وراء الباب؛ فاطمه زهراء پشت در بودند» (مجلسی،بحار الأنوار،ج۳۰،ص۲۹۳)

۱،۲. دفاع از اصول اعتقادات بر عهده هر مسلمانی است.امام باقر به همه شیعیان دستور میدهد با مخالفان وجود امام زمان با سوره قدر مناظره کنند (کلینی،الکافی،ج۱،ص۶۱۹) امام صادق(علیه السلام می‌فرماید: «خَاصِمُوهُمْ وَ بَیِّنُوا لَهُمُ الْهُدَى الَّذِی أَنْتُمْ عَلَیهِ وَ بَیِّنُوا لَهُمْ ضَلَالَتَهُمْ ؛ با اهل سنت به مخاصمه بپردازید و هدایتی که خداوند عالم نصیب شما کرده را برای آن‌ها بیان کنید.گمراهی‌هایی که دارند را برای آن‌ها بیان کنید.» (مجلسی،بحار الانوار،ج۱۰،ص۴۵۲) موسی بن جعفر به محمد بن حکیمفرمودند: « کلم الناس و بین لهم الحق الذی أنت علیه و بین لهم الضلالة التی هم علیها.» (مفید،تصحیح اعتقادات الإمامیة، ص: ۷۱) امام صادق به گروهی از اصحابش فرمود: «بینوا للناس الهدى الذی أنتم علیه و بینوا لهم [ضلالهم الذی هم علیه] و باهلوهم فی علی بن أبی طالب ع فأمر بالکلام و دعا إلیه و حث علیه.» (همان) شیخ طوسی می نویسد: « والتقیة – عندنا – واجبة عند الخوف على النفس وقد روی رخصة فی جواز الافصاح بالحق عندها؛ در مواردی که ما می‌خواهیم حقانیت اهلبیت و مذهب شیعه را بیان کنیم به ما اجازه داده‌اند، ولو اینکه خوف بر نفس داشته باشیم؛ » (طوسی،التبیان فی تفسیر القرآن، ، ج ۲، ص ۴۳۵، باب حکم التقیة) وقتی وظیفه شیعیان که پرورش یافته اهل بیت علهیم السلام هستند چنین است. قطعا فاطمه زهراء که خودش محل نزول جبرئیل و در بیت وحی زندگی میکند مشخص است. فاطمه زهراء به وظیفه اش عمل نمود. عوض اینکه عمل ایشان مورد سوال باشد. باید ازکسانی که به درب خانه‌اش جسارت کردند سوال نمود چرا چنین جسارتی کردند.

۱،۳. باز کردن درب برای نامحرم در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و اله نیز گزراش ده است : « رسول خدا (ص) از خانه زینب دختر جحش بیرون آمد و وارد خانه امّ سلمه شد؛ چون آن روز نوبت آمدن آن حضرت به خانه وی بود، مدتی نگذشته بود که علی آهسته دقّ الباب کرد، رسول خدا (ص) بیدار شد، امّ سلمه پاسخ نداد، پیامبر فرمود: بلند شو و در را باز کن » (ابن عساکر،تاریخ مدینهٔ دمشق ، ج ۴۲، ص ۴۷۰)

۲. عدم دفاع علی علیه السلام

۲،۱. امیرمؤمنان علیه السلام در مرحله اول و زمانی که آن ها قصد تعرض به همسرش را داشتند، از خود واکنش نشان داد و با عمر برخورد کرد، او را بر زمین زد، با مشت به صورت و گردن او کوبید؛ اما از آن جایی که مأمور به صبر بود از ادامه مخاصمه منصرف و طبق فرمان رسول خدا صلی الله علیه وآله صبر پیشه کرد. در حقیقت با این کار می خواست به آن ها بفهماند که اگر مأمور به شکیبائی نبودم و فرمان خدا غیر از این بود، کسی جرأت نمی کرد که این فکر را حتی از مخیله اش بگذراند؛ اما آن حضرت مثل همیشه تابع فرمان های الهی بوده است. سلیم بن قیس هلالی که از یاران مخلص امیرمؤمنان علیه السلام است، در این باره می نویسد: «...فَوَثَبَ عَلِیٌّ (علیه السلام) فَأَخَذَ بِتَلابِیبِهِ ثُمَّ نَتَرَهُ فَصَرَعَهُ وَوَجَأَ أَنْفَهُ وَرَقَبَتَهُ وَهَمَّ بِقَتْلِهِ ...؛ علی علیه السّلام ناگهان از جا برخاست و گریبان عمر را گرفت و او را به شدت کشید و بر زمین زد و بر بینی و گردنش کوبید و خواست او را بکشد؛... » (الهلالی، سلیم بن قیس (متوفای ۸۰هـ)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ص۵۶۸)

۲،۲. علی به وظیفه‌اش عمل نمود . امام کاظم علیه السلام در حدیث مفصلی به عهدی که حضرت علی با رسول الله در صبر بر مصائب داده اشاره فرمودند. در قسمتی از این حدیث می خوانیم که علی علیه السلام پس از شنیدن اینکه حرمش هتک حرمت میشود با صورت به زمین خورد سپس فرمود : « نَعَمْ قَبِلْتُ وَ رَضِیتُ وَ إِنِ انْتَهَکَتِ الْحُرْمَةُ » (کلینی،الکافی،ج۱،ص۲۸۲) احمد بن حنبل از پیشوایان عامی در این خصوص چنین نقل می کند: «... إنه سَیَکُونُ بعدی اخْتِلَافٌ أو أَمْرٌ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَکُونَ السِّلْمَ فَافْعَلْ ؛ علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمودند:به زودی بعد از من اختلاف و درگیری و اتفاقات بدی خواهد افتاد؛در این زمان؛اگر توانستی که صلح کنی؛پس همین کار را بکن {وظیفه تو این است که اختلاف و جنگ نکنی} » (احمد بن حنبل،المسند،ج۲،ص۱۰۶،مسند علی بن ابی طالب) هیثمی در خصوص سند این روایت گوید: «رواه عبدالله ورجاله ثقات» (مجمع الزوائد ج ۷ ص ۲۳۴) همان طور که می بینید در روایت از «سین» استفاده شده یعنی به زودی. رسول خداصلی الله علیه و اله وظیفه امیرمومنان ع را مشخص کرده و باید در موقعی که حقش را گرفتند ،صبر کند و اختلاف و جنگ نکند.و امیرالمومنین علیه السلام هم دقیقا همین کار را کرد .

۲،۳. پیامبر که شجاعتش فوق شجاعت حضرت علی (ع) بود در مواردی در برابر ظلم هایی که می دید صبر می کرد پیامبر (ص) در برابر چشمش سمیه را با وضع فجیعی کشتند و از او هم دفاع نکرد آیا شجاعت پیامبر زیر سوال رفت؟! آیا می شود گفت حضرت شجاعت نداشت ؟ آیا شجاعت ایشان از حضرت علی (ع) کمتر بود؟! چرا پیامبر صلی الله علیه و اله هنگام هجرت به مدینه بخاطر اینکه گرفتار مشرکین نشود، حضرت علی علیه السلام

را بجای خود در بسترش خواباند آیا شجاعت حضرت علی علیه السلام از شجاعت پیامبر (ص) بیشتر بود؟ آیا پیامبر (ص) از مشرکین می ترسید؟ پس شما هر جوابی را از پیامبر صلی الله علیه و اله بدهید ما نیز همان جواب را درباره حضرت علی علیه السلام می دهیم .

۲,٤. اهل سنت اصرار دارند که امّ کلثوم دختر امیر مؤمنان علیه السلام همسر عمر بوده است؛ اما می بینیم که هنگامی که مغیرة بن شعبه اهانت زشتی به امّ کلثوم کرده و او را با امّ جمیل، زنا کار مشهور عرب تشبیه و قیاس می کند، عمر هیچ عکس العملی از خود نشان نمی دهد. ابن خلکان در وفیات الأعیان می نویسد: «ثم إن أم جمیل وافقت عمر بن الخطاب رضی الله عنه بالموسم والمغیرة هناک فقال له عمر أتعرف هذه المرأة یا مغیرة قال نعم هذه أم کلثوم بنت علی فقال له عمر أتتجاهل علی والله ما أظن أبا بکرة کذب علیک وما رأیتک إلا خفت أن أرمی بحجارة من السماء؛ ام جمیل (کسی که سه نفر شهادت دادند مغیره با او زنا کرده است، و به خاطر امتناع شاهد چهارم از شهادت، از حد رهایی یافت) در حج، با عمر همراه شده و مغیره نیز در آن زمان در مکه بود. عمر به مغیره گفت: آیا این زن را می شناسی؟ مغیره در پاسخ گفت: آری این امّ کلثوم دختر علی است! عمر گفت: آیا خودت را به بی خبری می زنی؟ قسم به خدا من گمان می کنم که ابوبکرة در باره تو دروغ نگفته است؛ و هر زمان که تو را می بینم می ترسم که از آسمان سنگی بر سر من فرود آید!» (إبن خلکان،وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان، ج۶، ص۳۶۶،) همچنین : هنگامی که یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله به خانه عثمان ریختند و همسر او را زده و انگشتش را قطع کردند، او از همسرش دفاع نکرد. طبری، در تاریخش می نویسد: « وجاء سودان بن حمران لیضربه فانکبت علیه نائلة ابنة الفرافصة واتقت السیف بیدها فتعمدها ونفح أصابعها فأطن أصابع یدها وولت فغمز أوراکها وقال أنها لکبیرة العجیزة وضرب عثمان فقتله؛ سودان بن حمران آمد تا او را کتک بزند، نائله دختر فرافصه (زن عثمان) خود را بر روی او انداخت، سودان شمشیر را گرفت و انگشت او را قطع کرد و سپس دست به پشت او زد و گفت: عجب پشت بزرگی دارد، سپس عثمان را زد و کشت.» (طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۷۶) . آیا سائل و شبهه افکن عثمان را هم بی غیرت میداند؟ اهل تسنن از این مطلب هر پاسخی دادند، ما نیز همان پاسخ را به آن ها خواهیم داد.

نتیجه:

الف) بنابر وظیفه ورسالت دینی فاطمه زهراء از علی علیه السلام دفاع نمود.

ب)با دقت در آنچه ذکر گردید، مشخص می شود که یک مصلحتی بوده است که پیامبر و معصومین بهتر می دانستند در این مورد چه جوری برخورد کنند.

۱۴. اگر درب خانه ی حضرت زهرا سلام الله علیها را آتش زدند باید مسجد هم آتش می گرفت.

توضیح سوال: شما شیعیان باور دارید،به حکم حدیث رسول الله تنها دربی که در مسجد رسول الله باز می شد. درب خانه علی است. حال اگر بنابر ادعای شما درب را آتش زده باشند حتما باید مسجد رسول الله نیز آتش می گرفت.درحالیکه هیچ گزارشی از آتش گرفتن مسجد رسول الله در عهد خلافت شیخین نرسیده است.

پاسخ:

۱. خانه دو درب داشته است.

گفته شد که خانه بسیاری از صحابه، یک در خروجی به مسجد داشت که مستقیماً از آن وارد مسجد می‌شدند. پس از گذشت مدتی، خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که مسجدت را پاکیزه گردان و توصیه کن که کسی آن‌جا نخوابد و دستور بده تا درهایی که به مسجد باز می‌شوند، مسدود گردند... و هیچ شخص جُنُبی نباید در آن رفت و آمد کند.(الکافی، ج ۵، ص ۳۴۰) وقتی پیامبر(ص) دستور داد تا درهای متصل به مسجد بسته شوند، خانه علی(ع) را استثنا کرد، که به دنبال آن، برخی لب به اعتراض گشودند، اما با این پاسخ پیامبر(ص) مواجه شدند: «... بهتر است بدانید که من با نظر شخصی خودم هیچ دری را نبسته و هیچ دری را باز نگذاشته‌ام، بلکه تنها دستوری به من داده شد که از آن اطاعت کردم!». (احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۵۸۱) در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره بسته شدن درهای متصل به مسجد، چنین آمده است: «... دستور بده تا همه درهایی که به مسجد باز می‌شود بسته شود، مگر خانه علی(ع) و مسکن فاطمه(س)...».(کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۴۰

درِ دیگری که در نقل‌ها از آن سخن به میان آمده و معروف به «در خانه فاطمه(س)» است، به مسجد النبی(ص) باز نمی‌شد، بلکه به سمت کوچه قرار داشت. ابوهریره گزارش می کند: «هنگام ظهر بود که با پیامبر(ص) به بازار قینقاع رفتیم ... پیامبر در فناء خانه فاطمه نشست...» (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۶۶،) منظور از «فناء خانه»، مکان نسبتاً وسیعی است که در مقابل خانه قرار دارد. (ابومحمد، محمود بن احمد، عمدة القاری، ج ۱۱، ص ۲۳۹)با توجه به این که در نقل دیگری از همین ماجرا گزارش شده است حضرتشان «بر در خانه فاطمه ایستاد»(زاز، احمد بن عمرو، البحر الزخار(مسند بزاز)، ج ۱۵، ص ۱۰۶،)، می توان نتیجه گرفت که این «در» و این «فضای بزرگ پیرامون آن»، درون مسجد قرار نداشت و گرنه ابوهریره باید این گونه گزارش می کرد که پیامبر(ص) به درون مسجد رفته و در داخل مسجد و مقابل درب خانه فاطمه(س) ایستاد!. حلبی در کتاب سیره به این مطلب اشاره کرده است: «وجعل لبيت علي كرم الله وجهه باب من الخارج» (السيرة الحلبية،ج۳،ص۴۶۱)

۲. حضرت علی دو خانه داشتند.

پس از ازدواج امام علی(ع) با حضرت زهرا(س)، پیامبر(ص) از دامادشان خواستند تا برای خود و همسرش خانه‌ای تهیه کند. خانه‌ای که علی(ع) تهیه کرده بود، مقداری با خانه پیامبر(ص) فاصله داشت. پیامبر(ص) دوست داشت که خانه دخترش به او نزدیک‌تر باشد. زهرا(س) خانه حارثه بن نعمان را پیشنهاد کرد. حارثه که از این

پیشنهاد آگاه شد، به پیامبر(ص) عرض کرد: من و اموالم در اختیار خدا و پیامبرش هستیم! سپس خانه‌اش را در اختیار علی(ع) و فاطمه(س) قرار داد. (ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۸-۱۹).

نتیجه:

اتفاقات رخ داده یا در خانه دوم بوده و یا اینکه از درب خارج مسجد بوده است.

۱۵. انکار شهادت حضرت زهرا توسط علمای بزرگ شیعه

توضیح سوال: شیخ طوسی از دانشوران شیعی ادعا دارد تمام شیعه شهادت حضرت زهراء را باور دارند.درحالیکه شیخ مفید پذیرش شهادت را برای برخی شیعه میداند. و خوئی دیگر عالم شیعی‌است که شهادت زهراء سلام الله علیها را منکراست.فردی دیگر نیز دردوران معاصر رسما می گویند: وفات زهراء . حال انتساب این سخن به این عالمان درست است یا نه؟

پاسخ:

۱. وقتی معصومان ما شهادت حضرت زهراء را باور دارند برای شیعه فصل الخطاب است. هرکسی با هرمیزان علمیت که باشد سخنش چون مخالف با ماثورات اهل بیت است،قابل قبول نیست.

۲. برای روشن شدن مطلب باید عین سخنان ان عالمان را آورد و بررسی نمود چنین برداشتی از سخنان انان درست است یا خیر. در ادامه عین عبارات این اعلام را آورده و به قضاوت می نشینیم.

۲,۱. سخن شیخ مفید:

مفید در کتابش الارشاد می گوید: « در شیعه هستند کسانیکه می‌گویند فاطمه زهرا پس از رحلت پدر بزرگوارش فرزند پسری داشت که او را در هنگام حاملگی، رسول خدا ص محسن نامیده بود و سقط شد. بنا بر این فرزندان امیر المؤمنین علی ع بیست و هشت نفراند سلام اللّه علیهم اجمعین.» (مفید ،الارشاد،ج۱،ص۳۵۵)

برای اینکه مراد شیخ مفید مشخص شود باید واژه شیعه را معنا کرد ،سپس با استفاده از کتابهای دیگر مفید و سخنان شاگردانش به تحقیق درباره نظر مفید درباره شهادت زهراء بتول و سقط محسنش پرداخت.

مفید در کتاب مهمش «اوائل المقالات» ابتدا شیعه را تعریف کرده و نتیجه میگیرد:« و إذا ثبت ما بيناه بالسمة بالتشيع كما وصفناه وجبت للإمامية و الزيدية الجارودية من بين سائر فرق الأمة لانتظامهم بمعناها » (مفید،اوائل المقالات،ص۳۷) پس مشخص می شود که کلمه شیعه علاوه بر امامیه شامل زیدی ها نیز می شود. در نتیجه وقتی شیخ مفید می گوید برخی از شیعیان چنین باوری دارند مشخص میشود که منظورش امامیه است نه اصناف دیگر شیعه چون زیدی و اسماعیلی.

شیخ مفید در امالی خودش داستان حمله به خانه زهراء بتول را آورده است (الأمالی، صص ۴۹ و ۵۰، المجلس السادس حدیث ۹) ودر کتاب دیگرش نوشته است: « فرَفَسَهَا بِرِجْلِهِ وَ كَانَتْ حَامِلَةً بِابْنٍ اسْمُهُ الْمُحَسِّنُ فَأَسْقَطَتِ الْمُحَسِّنَ مِنْ بَطْنِهَا» (مفید،الاختصاص،ص۱۸۵). علاوه بر این اگر شیخ مفید منکر احراق بیت بود چرا شاگردانش

چیزی گزارش نکرده و مثل تمام شیعیان جریان شهادت را ذکر کرده‌اند. کراجکی از شاگردان مهم مفید است که در کتابش بارها از استادش نکات علمی نابی را یادآور می شود. وی این حدیث را از رسول الله صلی الله علیه و اله نقل می کند: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ یَظْلِمُ بَعْدِی فَاطِمَةَ ابْنَتِی وَ یَغْصِبُهَا حَقَّهَا وَ یَقْتُلُهَا»(کراجکی، کنزالفوائد،ج۱،ص۱۵۰). این سید مرتضی است که در کتابش ابتدا سخنان بزرگان سنی درباره حمله به بیت وحی را ذکر کرده (سید مرتضی،الشافی،ج۳،ص۲۴۰) و بعد می نویسد: «روایاتی که مستفیضه است بل متواتر که فاطمه زهراء برای انکه ان دو نفر بر جنازه‌اش حاضر نشوند وصیت کرد شبانه دفن شود» (همان،ج۴،ص۱۱۵) سپس می گوید: «چه عذری است برای کسیکه خانه زهرائ و علی را آتش زد» (همان،ص۱۱۹) شیخ طوسی شاگرد دیگر مفید است که می گوید :در سقط محسن هیچ اختلافی بین شیعه نیست (طوسی،تلخیص الشافی،ج۳،ص۱۵۶).

اگر کسی انچه امد را نپذیرد باز می توان سخن شیخ را حمل بر تقیه نمود. چه انکه محل زندگی‌اش بغداد بود و در روزگار او شیعه در راحتی نبود. ابن جوزی در اتفاقات سال ۳۹۸ قمری اشاره می کند شیخ مفید فقیه شیعه بود در آن عصر. در محله کرخ درگیری شدیدی بین شیعه و سنیان شد. می خواستند به مفید تعرض کنند. سپس به دستور امیر لشگر در شب ۲۳ ماه رمضان از بغداد اخراج شد « فراسل أبا عبد الله ابن المعلم فقیه الشیعة بأن یخرج عن البلد ولا یساکنه، ووکل به فخرج فی لیلة الأحد لسبع بقین من رمضان.» (ابن جوزی،المنتظم،ج۷،ص۲۳۷) سبط بن جوزی نیز گزارش می دهد در ماه ربیع الاول مفید از بغداد به خاطر درگیریهای شیعیان ومخالفین اخراج شد (مرآة الزمان،ج۱۸،ص۲۶۷). مخالفین آنقدر بغض مفید را داشتند که حتی از مرگش خوشحال شدند. خطیب بغدادی می نویسد: « کان أحد الأئمة الضلال هلك به خلق من الناس إلی أن أراح الله المسلمین منه» (بتاریخ بغداد،ج۴،ص۳۷۴) ابن کثیر از فردی با نام ابن النقیب بزرگ مخالفین نقل می کند که او وقتی خبر وفات مفید را شنید سجده شکر به جا اورد و سپس گفت: « ما أبالی أی وقت مت بعد أن شاهدت موت ابن المعلم» (ابن کثیر،البدایة والنهایة،ج۱۲،ص۲۲)

۲,۲. سخن آیت الله خوئی

شبه افکن گفته بود ایشان منکر شهادت دختر رسول الله است لیکن وقتی به همان کتابی که وی آدرس داده مراجعه می کنیم چنین می خوانیم: « سؤال ۹۸۰: آیا روایات و سخنانی که گویندگان در منابر و بعضی از نویسندگان در کتاب هایشان نوشته و گفته اند که عمر پهلوی فاطمه (سلام الله علیها) را شکسته، به نظر شما درست است؟»مرحوم آیت الله خوئی در پاسخ فرموده است: «این روایات مشهور و معروف است» (صراط النجاه، ج ۳، ص ۳۱۴) . پناه بر خدا از شر دروغگویان.

۲,۳. محمد جواد حجتی کرمانی می نویسد: «در مورد وفات حضرت زهراء در منابع متقدم و متاخر...واژه وفات به کار رفته است» (حجتی کرمانی،ولای علی پایه وحدت اسلامی،به نقل از:علی لباف،دانشنامه شهادت حضرت

زهراء،ص۱۲) همو کتاب مرحوم سید جعفر مرتضی عاملی که درباره اثبات شهادت زهراء شهیده نوشته است را «ناکام»در اثبات مدعی ارزیابی میکند(همان)

اولاً: وفات کلمه ای است عام که هم شامل مرگ طبیعی و هم شامل شهادت می شود؛ زیرا در بسیاری از موارد حتی در کتاب های معتبر، نسبت به شهادت امام حسین، امیر مؤمنان، جعفر طیار علیهم السلام و همچنین در باره خلیفه دوم و سوم نیز کلمه وفات به کار رفته است.طبرسی در الإحتجاج می نویسد: « محمد بن الحنفیۀ بعد وفاۀ أخیه الحسین صلوات الله علیه» (الطبرسی الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۳۶) ر روایات اهل سنت نیز در باره امیر مؤمنان علیه السلام از کلمه «وفات» استفاده شده است:«عن عمرو بن حبشی قال خطبنا الحسن بن علی بعد وفاۀ علی فقال لقد فارقکم رجل بالأمس لم یسبقه الأولون بعلم....» (إبن أبی شیبۀ الکوفی، المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۶ ص ۳۷۱ و ج ۷، ص ۴) اهل سنت اتفاق دارند که خلیفه دوم توسط ابولؤلؤ به شهادت! رسیده است؛ اما می بینیم که خود آن ها در کتاب هایشان همواره از کلمه «وفات» در باره عمر استفاده کرده اند. بلاذری در انساب الأشراف می نویسد:«وخطب فاطمۀ بنت عمر الخطاب رضی الله تعالی عنه، بعد وفاۀ عمر، وأصدقها مائۀ ألف....» (البلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۵۷.)

ای کاش عالیجناب کمی مطالعه می فرمود،سپس شهادت بتول عذرا را انکار می کرد.

۱۶. بنابر فقه شیعه، حضرت زهرا سلام الله علیها نمی توانند وارث پدر باشند.

توضیح سوال: شیعیان در مذهبشان معتقدند که زن از زمین و عقار ارث نمی برد، پس چگونه معتقدند که فدک ارث حضرت زهرا(علیها السلام) است؟

پاسخ:

اگر به رساله های عملیّه توجه شود آنچه به مذهب شیعه در این سوال نسبت داده شده برداشت صحیحی نمی باشد. زیرا شیعه می گوید زن در زمین و عقار ارث نمی برد، و فرق است ما بین زن و فرزند دختر، آنچه در سوال طرح شده در رابطه با زن و شوهر است نه دختر نسبت به پدر و مادر، اجماع فقها شیعه بر این است که اولاد دختر و یا پسر از پدر ارث می برند. برای اثبات این مدعی خوب است رساله های عملیّه فارسی و یا عربی (مثل الجامع الشرایع) شیعه ملاحظه شود.و متن هر دو مسئله در رساله ها چنین آمده است:

مسأله ۲۷۳۱ از رساله امام خمینی(رحمه الله)

اگر وارث میت فقط یکنفر از دسته اول باشد مثلا پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد، همه مال میّت به او می رسد....

و اگر یک پسر و یک دختر باشد مال را سه قسمت می کنند دو قست را پسر و یک قسمت را دختر می برد و اگر چند پسر و چند دختر باشند مال را طوری قسمت می کنند که هر پسر دو برابر دختر ببرد.

مسأله ۲۷۷۱. اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار یک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می برند و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشد هشت یک مال را زن می برد و بقیه را ورثه دیگر می برند و زن از همه اموال منقول ارث می برد ولی از زمین و قیمت آن ارث نمی برد. این دو مسأله در میان فقهاء اجماعی است و جای اختلاف نیست

۱۷. آزرده شدن زهرای مرضیه از امیرالمومنین علیه السلام در منابع شیعی.

توضیح سوال: در کتباهای مهم شیعه علل الشرایع و امالی شیخ صدوق، و کتاب حدیثی سنیان ، صحیح بخاری،آمده است که: رسول الله فرمود:هرکسی فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است.وقتی ابتدای این روایت را می خوانیم مشخص میشود،علی علیه السلام به خواستگاری دختر ابوجهل رفته بود وقتی فاطمه زهراء شنید ناراحت شد،به پیامبر شکایت کرد و رسول الله ان حدیث را فرمودند.درنتیجه مصداق این حدیث شامل علی بن ابی طالب نیز می شود.

پاسخ:

۱. روایت علل الشرایع:

شیخ صدوق روایت طولانی را اورده است که در آن داستان خواستگاری حضرت علی از دختر ابوجهل امده است رسول الله وقتی چنین شنید فرمود: «... پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فاطمه را دید که خواب به چشمش نمی‌رود و آرام و قرار ندارد، به او گفت: دخترم برخیز و او برخاست .... تا اینکه نزد علی علیه السّلام رسیدند، پیامبر پای خود را روی پای علی گذاشت و او را بیدار کرده و گفت: برخیز ای ابو تراب که دل آرامی را بی‌قرار ساخته‌ای. ... . پیامبر صلّی اللّه علیه و آله گفت: ای علی! آیا نمی‌دانی که فاطمه پاره تن من است و من از او هستم؟ هر کس او را اذیّت کند مرا اذیّت کرده و هر کس مرا اذیّت کند خدا را اذیّت کرده» (صدوق،علل الشرایع،ج۱،ص۱۸۵).

در تحلیل این روایت چند نکته قابل دقت است.

۱,۱. در سلسله راویان آن ابن ابی مقدام است که مرحوم علامه حلی (ره) می فرماید : ضعیف جدا. هم چنین آقای زیاد بن عبد الله، مجهول است.

۱,۲. ابتدای روایت چنین آمده است: « یک انسان پست و شقی از اشقیا، خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) آمد و گفت..» وقتی آقایان این این مطلب را نمی آورند، قلب انسان به درد می آید. نمی دانیم که این کار، نفاق است یا مرض ! امام علی به رسول الله پاسخ می دهد: « وَ الَّذِی بَعَثَکَ بِالْحَقِّ نَبِیّاً مَا کَانَ مِنِّی مِمَّا بَلَغَهَا شَیْءٌ وَ لَا حَدَّثَتْ بِهَا نَفْسِی فَقَالَ النَّبِیُّ صَدَقْتَ وَ صَدَقَتْ فَفَرِحَتْ فَاطِمَةُ ع بِذَلِکَ؛ سوگند به کسی که تو را به حقّ به پیامبری برگزید آنچه به او رسیده، هرگز از من واقع نشده است و حتی فکر آن را هم به خود راه نداده‌ام. پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فرمود: راست گفتی، راست گفتی. پس فاطمه علیها السّلام خوشحال شد و تبسّمی کرد، به طوری که دندان‌هایش دیده شد»

۱,۳.شقی از اشقیا خبر می دهد که حضرت امیر (علیه السلام) به خواستگاری دختر ابوجهل رفته. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) خودشان می دانند که قضیه چیست ؛ اما برای این که به مردم ثابت کنند که این قضیه دروغ است و برای دیگران روشن شود که بعد ها انسان های مریض این ماجرا را ملاکی علیه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یا امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) قرار ندهند ! شاهد این پاسخ این فراز از روایت است. عمر و ابابکر شاهد این ماجرا بودند پس از حضرت علی پاسخ رسول الله را داد اندو گفتند « فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ إِنَّهُ لَعَجَبٌ لِحِينِهِ مَا دَعَاهُ إِلَى مَا دَعَانَا هَذِهِ السَّاعَةَ؛ پس یکی از آن دو نفر به رفیقش گفت: جای تعجّب است، ما را در این وقت برای چه خواسته بود؟»

۱,۴. در قسمت دیگری از این حدیث می خوانیم که وقتی ان دو نفر به اصرار زیاد به عیادت زهراء علیها السلام امدند به انها فرمودند: « وقتی چشم آنها به فاطمه افتاد، به او سلام کردند و او جواب سلام نداد و صورت خود را برگردانید... فاطمه گفت: من هرگز با شما حتی یک کلمه سخن نمی‌گویم تا وقتی که با پدرم ملاقات کنم و از شما و کارهایی که در باره من کردید به او شکایت کنم... سپس گفت: خدایا من تو را گواه می‌گیرم و ای کسانی که در اینجا حضور دارید شما هم گواه باشید که این دو نفر مرا در زندگی و در حال مرگ اذیّت کردند»

۲. روایت امالی

شیخ صدوق در کتاب دیگرش چنین نوشته است :« ... أَنَّهُ ع أَرَادَ أَنْ یَتَزَوَّجَ ابْنَةَ أَبِی جَهْلٍ عَلَی فَاطِمَةَ؛ علی تصمیم داشت با دختر ابوجهل ازدواج کند» (شیخ صدوق،الامالی،ص۱۰۴)

وقتی روایت را کامل می خوانیم متوجه می شویم این عبارت باور دشمنان اهل بیت است و تهمتی است به مولای متقیان. امام صادق به صالح بن علقمه می فرمایید دشمنان انبیائ به انها تهمتهای زیادی زدند. همچنین به علی بن ابی طالب تهمت زدند که یکی از ان تهمتها خواستگاری ایشان از دختر ابوجهل بود « .. أ لَمْ یَنْسُبُوا سَیِّدَ الْأَوْصِیَاءِ ع إِلَی أَنَّهُ کَانَ یَطْلُبُ الدُّنْیَا وَ الْمُلْکَ ... أ لَمْ یَنْسُبُوهُ إِلَی أَنَّهُ ع أَرَادَ أَنْ یَتَزَوَّجَ ابْنَةَ أَبِی جَهْلٍ عَلَی فَاطِمَةَ ع وَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ شَکَاهُ عَلَی الْمِنْبَرِ..» (همان).

۳. روایت صحیح بخاری

حدیث پیامبر که فرمودند: «وَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّی» سه مرتبه در صحیح بخاری آمده است. وراوی هر سه حدیث «الْمِسْوَرِ بْنِ مَخْرَمَةَ» است. ابن حجر عسقلانی در شرح حالش می گوید : «ولد المسور بعد الهجرة بسنتین؛مسور دو سال بعد از هجرت به دنیا آمد» (ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۶، ص ۹۴) .یعنی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) که از دنیا رفتند، ایشان هشت ساله بوده.جالب این است که آقای ابو علم از علمای مصر، کتابی به نام فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) دارد که در صفحه ۱۷۰ این کتاب می گوید : « قضیه خواستگاری که مطرح شده، مربوط به سال دوم هجرت است.» ۰ (ابو علم، فاطمه الزهرا (ع)، ص ۱۷۰) اگر این راوی (مسور بن مخرمه) در آخر سال دوم به دنیا آمده باشد، خواستگاری قبل از ولادتش بوده. اگر اول سال دوم هجری به دنیا آمده باشد، در حال شیرخوردن بوده که این خواستگاری انجام شده است.

دختر ابوجهل، که می گویند امیرالمؤمنین به خواستگاری او رفته، به نام «جویریه»؛ تا سال فتح مکه، کافر بوده است. اصلاً تا آخر عمرش، مدینه را ندیده است. سال هشتم هجری هم که مسلمان شد، با آغوش باز اسلام را نپذیرفت و اسلام در قلب و جان او رسوخ نکرده بود، شاهد ما این کلام است:«وَ لَمّا جَاءَ وَقتَ الظُهر أمَرَ رسولُ الله صلی الله علیه وسلم بِلالاً أن یُؤذنَ عَلی ظَهر الکَعبة و قُریش فَوقَ الجِبال، فَمِنهُم مَن یَطلب الأمان، و مِنهُم مَن قَد أمَن، فَلَمّا أذن و قَال: أشهَدُ أنّ مُحمداً رَسولُ الله، قالت جُویریةُ بِنت أبی جَهل: لَقَد أکرَم اللهُ أبی حینَ لم بشهد نَهیقَ بلال فَوق الکَعبة؛هنگام ظهر (روز فتح مکه) رسول خدا دستور داد تا بلال بر بام کعبه اذان بگوید، قریش بالای کوه ها رفته بودند، بعضی از آنان در خواست امان کرده و بعضی هم ایمان آورده بودند، هنگامی که بلال گفت: «اشهد ان محمدا رسول الله» جویریه دختر ابوجهل گفت: خدا به پدرم لطف کرد، که صدای بلال را از بالای کعبه نشنید.» (بلاذری،أنساب الأشراف ج۱، ص ۱۵۷؛ابن جوزی، الوفا بأحوال المصطفی ، ج۱، ص ۳۳۲)

در این روایت، «جویریه» تعبیر زشت «نهیق» را به کار برده است؛ عرب به صدای عرعر الآغ می گوید: «نهیق»!

«جویریه» پس از آن که اسلام آورد، با شخصی به نام، «عتاب بن أسیّد» ، ازدواج نمود.در نتیجه، پس از اسلام آوردنش نیز نمی تواند این خواستگاری صورت پذیرفته باشد. (ابن سعد،الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۶۲).

در صحیح مسلم، نقل می کند که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسور که شلوار که به تن نداشته، لونگی بسته بود که آن هم در مقابل پیامبر (صلی الله علیه و آله) کنار رفته و هر آن چه که نباید دیده شود، نمایان می گردد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید : «ارجع الی ثوبک فخذه ولاتمش عوراتک؛مسور برو شلوارت را بپوش و لخت و عریان راه نرو» (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۶۶۰)

این شخص با این وضعیت خود، قضیه خواستگاری دختر ابی جهل را مطرح می کند و آقایان هم گویا فتح الفتوح کرده باشند، آن را بیان می کنند.

از طرف دیگر، در همین جا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید :«لاتجتمع بنت رسول الله (ص) و بنت عدو الله عند رجل واحد ابدا؛ اگر علی بن ابیطالب (علیه السلام) می خواهد دختر ابوجهل را بگیرد، دختر دشمن خدا و دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یک جا جمع نمی شود.» (صحیح بخاری،ج۶،ص۱۲۶)

اگر این حکم است،برادران ما پاسخ دهند، عثمان چطور بین دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ختر دشمن ایشان جمع کرد. چون عثمان در همان زمان که دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را داشت، دختر ولید بن عبد شمس را هم که کافر بود و در فتح مکه مسلمان شد را هم داشت. در این جا یا عثمان به این حکم عمل نکرده یا این که زنان عثمان دختران رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیستند؟

۱۸. چرا حضرت علی علیه السلام از قاتلان حضرت زهرا سلام الله علیها انتقام نگرفتند؟

توضیح سوال: اگر می گویید علی بن ابی طالب قبل از خلافتش قدرت نداشت، چرا پس از خلافتش از قاتلان همسرش انتقام نگرفت؟ همین عمل مولی علی علیه السلام نشان از دروغ بودن شهادت زهراء سلام الله علیها دارد

پاسخ:

۱. امام علی علیه السلام، معصوم بوده و هر فعل و تصمیم ایشان عین صواب و درستی است و باید در برابر هر گونه تصمیم از طرف امام معصوم تسلیم بود.

۲. حضرت علی علیه السلام، یار و همراهی برای قیام یا انتقام نداشتند. روزی اشعث بن قیس گفت: یا علی! چرا شمشیر نکشیدی؟ علی(علیه السلام) به او فرمود: همه اهل بدر و پیش کسوتان مهاجر و انصار را به کمک خواستم ولی از آن همه مسلمان فقط چهار نفر پاسخ مثبت دادند: سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر و از اهل بیت خودم هم کسی نداشتم که با آن بتوانم حقم را بگیرم چون حمزه در احد به شهادت رسید و برادرم جعفر هم در موته شهید شد و کسی برایم نماند مگر دو نفر ذلیل، خوار، عاجز و ناتوان، عباس و عقیل. به خاطر نبودن یار و یاور حقم را گرفتند.»(مجلسی،بحارالانوار، ج ۲۹ ص ۴۶۵ ح ۵۵) پس حضرت یاوری برای انتقام نداشت.

۳. حضرت علی برای بقای دین مامور به صبر بود. امام علی(علیه السلام) در پاسخ به حضرت فاطمه(سلام الله علیها) فرمود: «اگر می‌خواهی نام پدرت[رسول الله(صلی الله علیه و اله)] همچنان باقی بماند، باید صبر کنیم». براساس روایتی دیگر، امام علی(علیه السلام) فرمود: «به خدا قسم، اگر خطر نابودی دین و بازگشت کفر و پراکندگی مسلمانان در میان نبود، این گونه صبر نمی‌کردم». (مجلسی،بحارالانوار، ج ۳۲ ص ۶۱).

۴. مصلحت سنجی که حضرت علی داشتند و سعی میکرد اوضاع جامعه اسلامی آرامش خود را داشته باشد اتفاقات مهم سیاسی و ضد دینی در ان برهه به وجود امده بود لذا حضرت مصلحت دید دست به قیام نزند این تحولات عبارت بود از خطر مرتدین، ظهور پیامبران دروغین، خطر حمله رومیان و... لذا حضرت علی علیه السلام مصلحت را در سکوت داست و دست به قیام نزد. در نهج‌البلاغه نیز می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «من ردای خلافت را رها ساختم و دامن خود را از آن درپیچیدم و کنار رفتم، در حالی که در این اندیشه فرو رفته بودم که آیا با دست تنها و بدون یاور به پا خیزم و حق خود و مردم را بگیرم و یا در این محیط پر خفقان و ظلمتی که پدید آورده‌اند، صبر کنم؟ محیطی که پیران را فرسوده، جوانان را پیرو مردان با ایمان را تا واپسین دم زندگی به رنج وا می‌دارد. عاقبت دیدم بردباری و صبر، به عقل و خرد، نزدیک‌تر است، لذا شکیبایی ورزیدم، ولی به کسی می‌ماندم که خار در چشم و استخوان در گلو دارد، با چشم خود می‌دیدم میراثم را به غارت می‌برند».(نهج البلاغه،خ ۳)

۱۹. چرا امام علی علیه السلام بلافاصله پس از شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها، با اُمامه ازدواج کردند؟

پاسخ:

۱. اُمامه کیست:

از جمله بانوانی که محبوب رسول الله صلی الله علیه و اله بود بانو اُمامه است .«و کان یحبها، و حملها فی الصلاة، و کان إذا رکع أو سجد ترکها، و إذا قام حملها؛رسول الله صلی الله علیه و اله او را دوست داشت [گاهی] وقتی در نماز بود بر دوش پیامبر سوار میشد در حالت قیام وی را حمل مینمود و در حالت سجده و رکوع او را به زمین

میگذاشت» (ابن اثیر،اسد الغابه،ج۶،ص۲۲.) امام علی علیه السلام بعد از فاطمه زهراء با ایشان ازدواج نمود. (نام خلفا بر فرزندان امامان،ص۴۱۲.)

۲. آن حضرت تا هنگامی که حضرت زهرا سلام‌الله علیها در قید حیات بود همسر دیگری اختیار نکرد، همان‌گونه که پیامبر صلی‌الله علیه و اله تا زمانی که حضرت خدیجه زنده بود همسر دیگری اختیار نکردند.

۳. امام علی علیه‌السلام پس از شهادت حضرت فاطمه مجبور به ازدواج شده و همسری اختیار کردند تا به وضع ایتام و فرزندان آن حضرت که مادر خود را ازدست‌داده بودند رسیدگی کند. و از طرفی حضرت فاطمه، روز شهادتشان ضمن وصایایی به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: « َ..أُوصِيكَ أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أُمَامَةَ فَإِنَّهَا تَكُونُ لِوُلْدِي مِثْلِي فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ؛با اُمامه ازدواج کن که او نسبت به فرزندانم مثل خودم رفتارمیکند »(فتال نیشابوری،روضه الواعظین،ج۱،ص۱۵۱.)

٤. زمان ازدواج را اکثر منابع تعیین نکرده و تنها در بحارالانوار چنین آمده است که حضرت، هفت روز پس از شهادت زهرای مرضیه سلام‌الله علیها، طبق وصیت با امامه بنت ابی العاص ازدواج کرد». (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۹۲).

٥. زشت شمردن ازدواج بعد از فقدان همسر، در عُرفِ زمان ما رایج است و مطلبی مربوط به تمام زمان‌ها و منطقه‌ها نیست.

نتیجه اینکه: امام علی علیه‌السلام، بر اساس وصیت حضرت زهرای مرضیه سلام‌الله علیها و به خاطر سامان دادن به امور فرزندان، اقدام به ازدواج با امامه فرمودند.

۲۰. منظور از ام ابیها چیست؟

توضیح سوال: میدانیم حضرت زهراء سلام الله علیها کنیه و القاب فراوانی دارد.یکی از معروفترن انها«ام ابیها؛مادرپدر» است.لطفا دراین باره توضیحی ارائه فرمایید.

پاسخ:

در کتاب مقاتل الطالبین و کشف الغمه آمده است که امابیها از کنیه های حضرت فاطمه زهرا(س) است که پیامبر اکرم(ص) به آن حضرت میفرمود امابیها؛ یعنی، مادر پدرش (مادر من).می توان در این رابطه احتمالاتی را بیان کرد:

۱- عرب ها در نامگذاری سه چیز دارند: اسم، لقب و کنیه. اسم مانند فاطمه، لقب مثل زهرا، کنیه مانند " ام ابیها" حضرت فاطمه (س) افزون بر نام، از چندین لقب و کنیه بهره مند است. انتخاب کنیه ها ممکن است به جهت خاصی باشد.رمز این نام گذاری ممکن است جهت اظهار محبت باشد، همان گونه که متداول است پدر در اظهار محبت نسبت به دخترش می گوید: مادرم ، و نسبت به پسرش می گوید: بابایم، یعنی پیامبر جهت اظهار محبت به دخترش فرمود: تو مادر بابات هستی .

۲ – شاید بدین جهت باشد که در دوره غربت اسلام، حضرت با پدرش رفتاری داشت همانند رفتار مادر به فرزند(سید جعفر شهیدی، زندگانی حضرت فاطمه(س) ص ۴۰.) و پیامبر (ص) نیز بسیار به دخترش علاقه مند بود، همانند رفتار فرزند نسبت به مادر. پیامبر (ص) دست فاطمه (س) را می بوسید. هر گاه به سفر می رفت آخرین کسی که با او خدا حافظی می کرد ، حضرت فاطمه (س) بود و در بازگشت از سفر نخست از او دیدار می کرد. حضرت زهرا (س) مانند مادری دلسوز رسول خدا (ص) را در آغوش می گرفت، از او نگهداری می کرد، زخم هایش را مرهم می گذاشت رنج ها و دردهایش را کاهش می داد. این گونه ابراز عواطف دو سویه همانند ابراز عواطف مادر و فرزند است.

۳ – مادر هر چیزی اصل و اساس او است. ممکن است مقصود آن باشد که حضرت فاطمه اصل و اساس درخت رسالت است، چنان که در روایت آمده است: "شجره طیبه پیامبر اسلام (ص) ساقه اش علی و ریشه اش فاطمه، میوه اش فرزندان او و شاخ و برگش شیعیان حضرت می باشند". اگر ریشه درخت نباشد، درخت خشک می گردد و طراوت خود را از دست می دهد. حضرت زهرا (س) اگر نبود، درخت اسلام سرسبزی و نشاط خود را از دست می داد.

۴ – ممکن است بدان جهت باشد که چون خداوند زنان پیامبر (ص) را به کنیهٔ "ام المؤمنین" گرامی داشت، به ذهن خطور کند که آنان مهم ترین زنان روی زمین هستند، حتی از حضرت فاطمه (س) بالاترند، از این جهت حضرت رسول او را به "ام ابیها" خطاب کرد تا از این وسوسه ها و خطورات ذهنی جلوگیری کند؛ یعنی ای زنان پیامبر (ص) اگر شما به منزلهٔ مادران مؤمنان هستید، حضرت فاطمه به منزلهٔ مادر پیامبر است.(احمد رحمانی همدانی، فاطمه زهرا شادمانی دل پیامبر (ص) ص ۲۶۷).

۲۱. مخالفت فاطمیه با وحدت بین شیعه و سنی

توضیح سوال: ازطرفیشیعیان همواره منادی وحدت بوده‌اند.از دیگر سو برگزاری عزای فاطمی و تبیین نحوه شهادت او مستلزم نامبردن از افرادی است که برای بسیاری از مسلمینارزش و جایگاه والایی دارند. در نتیجه این یک بام و دوهوای شیعه است که هم بر طبل وحدت مسلمین می کوبد ولی بابرگزاری چنین مراسمی به وحدت مخالفت میکند.

پاسخ:

۱. دلایل متعدد بر مفید بودن تقریب مذاهب اسلامی وجود دارد که در جای دیگر مفصل آنرا ذکر کرده‌ایم.

۲. برای پی بردن باید مفهوم«وحدت» تعریف شود تا پاسخ روشنی به سوال داده شود.سه قرائت از «وحدت» وجود دارد.

۲،۱.سیاسی :مطابق این قرائت وحدت یعنی : شناخت دشمن مشترک و اتحاد علیه آن؛ قطعا چنین تعریفی مورد پذیرش است.

۲،۲. اجتماعی: وحدت عامه و خاصه در این قرائت،به معنای زندگی مسالمت آمیز یا تحمل مخالف، و عدم تکفیر است.که این معنای دوم هم هیچ عاقلی در ضرورتش شک و تردید ندارد.

۲،۳.اعتقادی: معنای وحدت اعتقادی یعنی اینکه شیعه برای رسیدن به اتحاد با عامه باید از اعتقاداتش دست بردارد.قطعا چنین تعریفی از وحدت شدنی نیست و مراد منادیان وحدت نیز چنین قرائتی نیست. بزرگ منادی وحدت امام خمینی میگوید:« من هم وفات و شهادت بانوی بزرگ اسلام را بر همه مسلمین و بر شما برادران عزیز ارتشی، سپاهی و بسیج و بر حضرت بقیة اللّه- ارواحنا فداء- تسلیت عرض می کنم.» (صحیفه امام،ج۱۶،ص۷۸) علامه طباطبایی می گوید: «اتحاد یا تقریب اسلامی به طوری که منجر به فراموشی معارف دینی و متروک شدن دستورات مذهبی نباشد تردیدی در رجحان آن از نظر عقل و منطق نیست...[و]این امر منافاتی با بحث-علمی تاریخی- در مسائل عقیدتی ندارد» (علامه طباطبایی، بررسی های اسلامی، به کوشش: سید هادی خسروشاهی،ج۳،ص۲۷۵.) مقام معظم رهبری، آثار استاد شهید مطهری، مبنای فکری نظام جمهوری اسلامی می‌دانند (مجتبی پیر هادی، استاد در کلام رهبر، انتشارات صدرا، ص ۲۴) و خطی که می‌تواند انقلاب را ازنظر فکری حفظ کند، همان خط مطهری معرفی کرده‌اند.(همان، ص ۳۳). به همین علت اگر این مسئله در اندیشه این شهید والامقام روشن گردد پاسخ به سوال جامعتر خواهد بود. شهید مطهری بنیادی‌ترین مسئله اسلامی را مسئله رهبری می‌داند (مطهری، امامت و رهبری، چاپ بیست و هفتم، صدرا، ص ۱۴) و تفسیرِ اتحاد مسلمانان به حَصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و نفی متفرقات آن‌ها را برنمی‌تابد (همان، ص ۱۵) و محصول این تفکر را خَرقِ اجماع مُرکَب و چیزی غیر از اسلام واقعی دانسته است. (همان، ص ۱۶). او باورمنداست، فرضیه شیعه با فرضیه اهل تسنن در مسئله بیان و اخذ دین در اساس فرق می‌کند. (همان، ص ۵۵) و به دلیل برتر دانستن مذهبش، به آن افتخار کرده و حاضر نیست حتی یک مستحب و مکروه کوچک را برای وحدت مصالحه کند (همان،۱۶). پس معنای صحیح اتحاد مسلمانان، وحدت در جبهه مشترک [مقابل کفر جهانی] وزندگی مسالمت‌آمیز [وحدت اجتماعی] است (همان،۱۷) و چون ما باسنیان ایدئولوژی مشترکی نداریم نمی‌توانیم وحدت اعتقادی داشته باشیم (همان). اما بااین‌حال چون بحث علمی سروکارش باعقل و منطق است (همان، ص ۱۸) باید حقایق تاریخی بر اساس مستندات معتبر مشخص شود. تا همه بدانند علی (علیه‌السلام) محور حق بوده است یا سایرین.

نتیجه:

بنابر تعریفی که منادیان وحدت از آن دارند، دست کشیدن از اعتقادات و بیان نکردن حوادث صدر اسلام چون ظلمی که به خاتون دوسرا رفته است مخالفتی با آن ندارد. سیره عملی منادیان بزرگ وحدت مثل مقام معظم رهبری در برگذاری جلسات فاطمیه گواه عملی همراهی وحدت و این مراسم است.